



ایران

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۴ شماره ۸۷۵۱

زهرابهرروز آذر

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده

در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد

مهریه، از عدد تا عدالت دغدغه‌ای ملی برای آینده خانواده



تعیین کنند. این شروط از حیث اعتبار و قابلیت اجرا تابع مقررات عام قراردادها و شروط ضمن عقد بوده و دارای آثار قانونی الزام‌آور خواهد بود. چنین امکانی، هم با اصل آزادی اراده در قراردادها منطبق است و هم می‌تواند به کاهش دعاوی و سوءاستفاده‌های احتمالی کمک کند.

● **آموزش حقوقی زوجین هم‌زمان با عقد ازدواج:** دفاتر رسمی ازدواج مکلف شوند هم‌زمان با ثبت عقد نکاح، بروشورهای اطلاع‌رسانی و آموزشی درباره آثار حقوقی و مالی مهریه، نهادهای حمایتی خانواده، و شیوه‌های طرح دعاوی خانواده را به صورت مکتوب و در صورت امکان، الکترونیکی در اختیار زوجین قرار دهند. هدف از این اقدام، افزایش آگاهی حقوقی زوجین و کاهش اختلافات و دعاوی پس از ازدواج است.

مرور همین ایده‌ها و راهکارها نشان می‌دهد که چقدر



این موضوع اهمیت دارد و تا چه اندازه کارشناسان و نخبگان می‌توانند در حل مسئله کمک کنند. موضوع مهریه، موضوعی فراگیر است. موضوعی است که همه خانواده‌های ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین برای حل آن نیازمند گفت‌وگوی ملی و رسیدن به یک اشیاع نظری هستیم. گفت‌وگویی که در آن، همه متخصصان فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی، و مهم‌تر از همه، مردم عادی، دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. این گفت‌وگو، می‌تواند آینده فرزندان ما را تضمین کند.

ما یک‌بار در کاهش مهریه‌های نجومی و غیرواقعی این مسیر را به هم طی کرده‌ایم. پس دوباره هم خواهیم توانست این موضوع را از ایجاد مختلف نگاه کنیم و از این فرصت استفاده کنیم تا همه جوانب اجتماعی، اقتصادی و حقوقی خانواده را بررسی کنیم و از توازن و تعادل آن اطمینان پیدا کنیم.

طرح پیشنهادی برای کاهش سقف اجرائی مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه، و کاهش ناکهانی سقف اجرائی آن گرچه با هدف کاهش پرونده‌های قضایی و کاستن از فشار اقتصادی بر خانواده‌ها و دستگاه قضا ارائه شده، اما نباید از آثار اجتماعی، فرهنگی و نابرابری‌های ساختاری که ممکن است در پی داشته باشد، غافل شد. این موضوع، تنها یک «بند حقوقی» نیست،

آثار اجتماعی مخربی از جمله بی‌اعتمادی بیشتر در ازدواج، عادی‌سازی بی‌تعهدی، و حتی مطالبه شروط سنگین‌تر در آینده را به دنبال داشته باشد؛ این نکات ناگهی سطحی یا احساسی نیست؛ بلکه تحلیلی مبتنی بر واقعیت‌های میدانی و ریشه‌های اجتماعی مسئله است که نباید به‌راحتی از کنار آن گذشت. ما به عنوان متولی حوزه زنان و خانواده در دولت موظف هستیم همه این جوانب را با هم ببینیم و این صدا را بشنویم. اما این شنیدن فقط محدود به طرح مسئله و آسیب‌شناسی نیست. خبرگان، متخصصان و کارشناسان، در دل انتقادات خود، راهکارهای متعددی را مطرح کرده‌اند و ایده‌های عملی و کاربردی ارزشمندی داشته‌اند که توجه به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. برخی از این پیشنهادات عبارت‌اند از:

● **ایجاد نظام جامع ضمانت اجرای هوشمند:** جایگزینی

این نهادها با نگاهی دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر نسبت به شرایط اجتماعی کشور و با رعایت اصول عدالت جنسیتی مورد توجه قرار گیرد و برطرف شود. اگر قرار است به دلیل اقتضات اقتصادی یا با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و انسانی‌تر شدن فرآیندهای قضایی، اصلاحاتی در قوانین صورت گیرد، ضروری است که این اصلاحات با در نظر گرفتن شرایط هر دو جنس و با رعایت توازن حقوقی میان زن و مرد انجام شود. اصلاحاتی که عدالت را نقض کند یا تنها باران پر دوش یکی از طرفین، به‌ویژه زنان، قرار گیرد، نه تنها عادلانه نیست، بلکه به تضعیف ابزارهای حمایتی موجود برای زنان منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، تعدیل در سازوکارهای اجرایی مهریه، نباید به بهای کاهش توان زنان در احقاق حقوق مشروعشان، آن هم در بستری نابرابر از حیث دسترسی به اطلاعات و امکانات حقوقی، تمام شود.

با این حال، متأسفانه برخلاف این انتظار، نه تنها اشکالات موجود در قوانین پیشین برطرف نشد، بلکه ناگهان موضوع کاهش سقف سقف اجرائی مهریه به ۱۴ سکه مطرح شد؛ اقدامی که بسیاری از کارشناسان حقوقی و اجتماعی، آن را نه اصلاح، بلکه عقب‌گردی نگران‌کننده در مسیر حمایت قانونی از حقوق زنان تلقی می‌کنند. در حال حاضر یکی از از مهم‌ترین اشکالات فعلی، سازوکار ناکارآمد اثبات تمکن مالی زوج است. در عمل، این روند به گونه‌ای است که به‌اصلاً اثبات توانایی یا ناتوانی مالی بر دوش زوجه قرار دارد. این در حالی است که بسیاری از زنان، به دلیل محدودیت‌های قانونی و ساختاری، امکان دسترسی به اطلاعات مالی همسران خود را ندارند. این وضعیت، موجب شکل‌گیری نابرابری‌ای آشکار در فرآیند حقوقی شده و پیگیری قانونی مهریه برای بسیاری از زنان به فرآیندی طاقت‌فرسا، ناعادلانه و فرسایشی تبدیل کرده است. از منظر حقوقی، فقدان یک سازوکار شفاف و عادلانه برای کشف اموال، همراه با نبود چابک‌بین‌های حمایتی مؤثر، زنان را در فرآیند مطالبه حقوق خود در برابر آسیب‌های ناشی از جدایی، عملاً تنها و بی‌پناه گذاشته است و این وضعیت نه تنها با اصول عدالت و برابری حقوقی مغایرت دارد، بلکه به تضعیف جایگاه زنان در نظام حقوقی خانواده منجر می‌شود.

از این رو، کاهش یا محدودسازی سقف اجرائی مهریه، بدون بازنگری و اصلاح هم‌زمان سایر ابعاد حقوقی روابط زوجین، از جمله حق طلاق، حضانت فرزندان، تقسیم اموال حاصل از زندگی مشترک، نه تنها موجب تضعیف موقعیت حقوقی و اقتصادی زنان در خانواده می‌شود، بلکه آسیب‌پذیری آنان را در مواجهه با بحران‌های خانوادگی و حقوقی افزایش می‌دهد. این امر با روح حاکم بر شریعت اسلامی که بر حفظ کرامت زن، تقویت جایگاه او و تحکیم بنیان خانواده تأکید دارد، متعارض است. در جلسات کارشناسی و مطالعاتی که با وکلای جامعه‌شناسان، حقوقدانان و کارشناسان حوزه خانواده داشتیم، بارها به این نکته اشاره شده است که این طرح جدید، واقعیت‌های اقتصادی و اثرات آن را برای زنان نادیده گرفته است. در شرایط تورمی امروز، ۱۴ سکه حتی برای ابتدایی‌ترین نیازهای یک زن پس از جدایی، پشتوانه مالی ناچیزی را فراهم می‌کند و به معنای رها کردن زنان در برابر فقر و بی‌خانمانی است. برخی از کارشناسان اشاره داشتند که تضعیف مهریه، بدون جایگزین‌های حمایتی و بدون اصلاح کل زیست‌بوم حقوقی و اقتصادی خانواده، می‌تواند

این روزها، موضوعی قدیمی اما آشنا و همیشه جاری، به درستی حساسیت‌های زیادی را در جامعه ایجاد کرده است. این موضوع که زندگی میلیون‌ها زن و مرد، مادر و پدر، و فرزندان این سرزمین را متأثر می‌کند چیزی نیست جز مهریه.

بحث داغ بر سر پیشنهاد کاهش سقف سقف اجرائی مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه، تنها یک اصلاح حقوقی نیست. این مسئله‌ای است که به درون خانه‌های ما و در جمع‌های دوستانه و خانوادگی راه یافته و به گفت‌وگویی پرچالش در جامعه تبدیل شده است. شاید هر کدام از ما تجربه‌ای، خاطره‌ای، یا نگرانی‌ای در این زمینه داشته باشیم. اما واقعیت این است که ما با یک مسئله صرفاً حقوقی روبرو نیستیم، بلکه ابعاد پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی فقهی متعددی در آن نهفته است. ما با نهادهای مواجهیم که ریشه در سنت‌های ما دارد و با زندگی روزمره مردم درآمیخته است. مهریه، موضوعی نیست که بتوان آن را صرفاً با عدد و رقم حل کرد؛ مهریه یک ابزار قراردادی صرف نیست، بلکه یک ساختار نهادین در تعادل حقوقی خانواده است و پشتوانه‌ای چندوجهی برای زندگی محسوب می‌شود.

هویت و کارکرد مهریه بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که روی سند ازدواج می‌نویسیم. در فقه اسلامی و نظام حقوقی ما، مهریه صرفاً یک بدهی مالی ساده نیست، بلکه نهادهای برای حفظ کرامت زن، ایجاد توازن در روابط زناشویی و تضمین امنیت حقوقی و اقتصادی همسر در چارچوب خانواده تعریف شده است این ساز و کار بر پایه اصل رضایت و تراضی استوار است و به‌ویژه در ساختار خانواده ایرانی که برخی حقوق مهم مانند طلاق، بیشتر در اختیار مرد است، نقشی حمایتی و بازدارنده برای زن ایفا می‌کند. واقعیت این است که مهریه در بسیاری از موارد، تکیه‌گاه روانی و حقوقی یک زن است. در غیاب نهادهای جایگزین حمایتی مانند بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار، تقسیم یا تصنیف اموال در زمان طلاق، یا حمایت‌های معیشتی مؤثر، مهریه در عمل، آخرین سنگر دفاعی و حمایتی حقوقی و اقتصادی بسیاری از زنان در مواجهه با آسیب‌های حین زندگی مشترک و پس از طلاق یا بعد از فوت همسر است. در بسیاری از پرونده‌های مهریه، نه به قصد فشار، بلکه برای تأمین حداقلی زندگی پس از طلاق و راهی‌ای از فقر به صورت حقوقی و قانونی انجام می‌شود و نمی‌توان این واقعیت اجتماعی را نادیده گرفت.

همان‌طور که می‌دانید، بحث پرچالش و ملی مهریه، بار دیگر در پی ارائه طرحی جدید در مجلس شورای اسلامی، به کانون توجه افکار عمومی و محافل تخصصی بازگشته است. طرحی که با هدفی انسانی و قابل احترام یعنی «کاهش شمار زندانیان مالی» مطرح شده؛ هدفی که بی‌تردید دغدغه‌های مهم، اخلاقی و قابل دفاع است. هیچ‌کس نمی‌خواهد پدر یا همسری صرفاً به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه روانه زندان شود، و این مسئله‌ای نیست که بتوان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. اهمیت این موضوع موجب شده که طی سال‌های اخیر، اقداماتی نظیر تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی برای کاهش این آسیب صورت گیرد.

با این حال، باید به این واقعیت توجه داشت که همین قوانین نیز از منظر حقوق دانان، وکلای و فعالان حوزه زنان، خالی از اشکال نبوده‌اند و نقدهای جدی به آن‌ها وارد شده است. انتظار می‌رفت در گام‌های اصلاحی بعدی،

عکس: علی محمدی / ایران

در فضای کنونی، که نهاد خانواده در برابر طوفان‌های اقتصادی و تحولات فرهنگی ایستادگی می‌کند، کوچک‌ترین تغییر در تعادل حقوقی زن و شوهر، می‌تواند پیامدهای درازمدت و غیرقابل جبرانی بر مناسبات اجتماعی و اعتماد عمومی بر جای بگذارد

موضوع مهریه، موضوعی فراگیر است. موضوعی است که همه خانواده‌های ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین برای حل آن نیازمند گفت‌وگوی ملی و رسیدن به یک اشیاع نظری هستیم



مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

مهریه چیست؟

اشرف گرامی‌زادگان، حقوقدان و مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دولت دوازدهم با اشاره به اینکه طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه در تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۹ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده است، به «ایران» می‌گوید: «این طرح در حقیقت دسترسی زنان را از دریافت مهریه اعلامی در سند ازدواج محدود کرده و با سنجش مهرالسنه به عنوان رکن مورد نظر مجلس شورای اسلامی، با دریافت دادخواست اعسار مرد، حبس را نقض کرده است. هرچند که اگر هدف کاهش حبس فی‌النفسه باشد، مقبول است اما اگر به زیان طرف زن باشد، ضرورت دارد راهکارهای بهتری پیشنهاد شود، مثل تصصیف دارایی و اموال پس از پایان ازدواج چه در حیات و چه در ممات یا پیشنهادهای دیگر.»

او در ادامه به نکات مهمی در این خصوص اشاره می‌کند، اول اینکه این طرح از طرف مجلس شورای اسلامی تدوین شده است و لایحه دولت محسوب نمی‌شود. متن طرح، دسترسی سریع زنان را به مهریه محدود کرده است و با این تحدید، در عمل و اجرا، زنان باید تأملی صبورانه داشته باشند! مورد دوم عنوان طرح است که موضوع «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» است که به هدف کم‌رنگ کردن تنها ابزار قانونی و شرعی زنان در شرایط امروز جامعه است. در ادامه این طرح مهریه آمده است: «و برخی از احکام راجع به مهریه» این بخش در آخر عنوان آمده است تا مخاطب کمتر نگران شود. چرا؟ چون مردانی در زندان هستند که به دلیل عدم پرداخت تعهد خود به همسر خویش در آنجا حبس هستند. عنوان نشان می‌دهد که نمایندگان می‌دانستند با این تدوین می‌خواهند بقیه اذهان را فقط به پنهان اقتصادی همان طور که در مقدمه طرح آمده است: «نوسان شدید قیمت طلا (سکه)، افزایش طرح دعوای تعدیل اقساط محکوم به؛ که باعث مشکل برای قوه قضائیه شده است»، جلب کنند.

به گفته این حقوقدان، مورد دیگری که باید به آن توجه شود، نگرانی قوه مقننه برای قوه قضائیه است. اگر این موضوع اهمیت داشت چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال

نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

چرا قوه قضائیه یک لایحه قضایی ارسال نمی‌کرد؟

زهراداور:

«مهریه اهرم فشاری از دید خانواده قلمداد می شود، زیرا حق طلاق با مرد است، پس باید یک تعادل و بالانسی بین این ازدواج که مثل معامله است، انجام شود. یعنی این ذهنیت وجود دارد که چون مرد حق طلاق دارد زن هم می تواند مهریه سنگین در نظر بگیرد تا اگر نتوانست به زندگی با آن مرد ادامه دهد، از این اهرم فشار استفاده کند.»

حقوقدانان چالش های زنان

در طرح جدید مهریه را بررسی کردند

حبیبی زدایی

و تغییر سقف مهریه

جوابگو نیست

ناشی از محکومیت های مالی و ساماندهی رویه های حقوقی عنوان شده که به گفته مدافعان طرح، تأثیرات مهمی بر وضعیت پدهکاران مهریه خواهد داشت. بر اساس این طرح، حبیبی به دلیل بدهی مهریه حذف شده و افراد بدهکار دیگر فقط به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه زندانی نخواهند شد. همچنین تعداد سکه های وصولی مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه کاهش داده شده است؛ به این معنا که بیش از این تعداد قابلیت وصول نخواهد داشت. هر چند این طرح هنوز تصویب نشده، اما مشکلاتی را برای زنان ایجاد خواهد کرد تا جایی که بسیاری از حقوقدانان هم نسبت به اصلاح ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و کاهش سقف اجرایی مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه هشدار داده اند و با نقد ابعاد فقهی، حقوقی و اجتماعی آن، پیشنهادهای جایگزینی برای اصلاح این ماده ارائه کرده اند.

داور: مبنا باید تحکیم خانواده باشد

فروپاشی خانواده نداشته باشیم. مگر می توان در مورد خانواده و اعضای دیگر خانواده مانند کودکان حرفی ن زد؟ مگر می توان به این قضیه تک بعدی نگاه کرد؟ این طرح همه ابعاد را تحت تأثیر قرار می دهد.»

این موضوع نیز مطرح بوده که مهریه ها زیاد شده است، اما برخی توجه نمی کنند دلیل افزایش مهریه ها چیست. این حقوقدان در توضیح علت افزایش مهریه بیان می کند: «چه اتفاقی می افتد که در اوایل انقلاب تا دهه هفتاد مهریه ها پایین است اما کم کم سنگین می شود؟ در آن دوره زیادترین مهریه نهایتاً ۱۴ سکه بود در حالی که قیمت سکه بالا نبود. آن زمان هدف شکل گیری یک ازدواج آسان بود اما از یک مقطع زمانی وقتی بحث تحمل گرایی مطرح می شود سکه به میزان سال تولد و سال میلادی هم می رسد.»

رئیس انجمن ایرانی مطالعات زنان درباره انواع مهریه توضیح می دهد: «امروزه فرهنگ و ذائقه جامعه عوض شده است. از نظر قانون مهریه می تواند هر چیزی که بعد مالی دارد،



باشد اما در برخی مواقع صرفاً به متن تبدیل می شود در حالی که می توان به جز سکه، یک حرکت جالب، کشیدن یک نقاشی، آموزش یک هنر را مهریه قرار داد، اما در فرهنگ جامعه ما روی سکه متمرکز می شوند و متأسفانه بر مبنای فرهنگ جامعه هرچقدر میزان مهریه بالاتر باشد آن خانواده اصطلاحاً با کلاس تر است.»

ایجاد تعادل بین حقوق زن و مرد

داور درخصوص ایجاد تعادل میان حق زن و مرد در ازدواج می گوید: «مهریه اهرم فشاری از دید خانواده قلمداد می شود، زیرا حق طلاق با مرد است، پس باید یک تعادل و بالانسی بین این ازدواج که مثل معامله است، انجام شود. یعنی این ذهنیت وجود دارد که چون مرد حق طلاق دارد زن هم می تواند مهریه سنگین در نظر بگیرد تا اگر نتوانست به زندگی با آن مرد ادامه دهد، از این اهرم فشار استفاده کند.»

در کنار فرهنگ یک آیتم دیگری به نام اقتصاد،

محمد صالح نقره کار وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به این سوال که آیا کاهش تعداد سکه های مهریه از ۱۱۰ عدد به ۱۴ عدد می تواند جلوی سواستفاده از این حق قانونی زنان را بگیرد؟ می گوید: «یکی از نکات حائز اهمیت در نظام حقوقی خانواده توجه به اصل انتظار و تناسب است ما در نظم عمومی خانواده به موضوع برابری و توجه به حقوق متناظر طرفین تاکید می کنیم، به این دلیل که نهاد خانواده با سایر عقود که در حوزه عمومی با رعایت اصل تناسب محقق می شود، به اعتبار ساحت عاطفی و اخلاقی که دارد، متفاوت است و این عقل و اعتبار ساحت عاطفی و اخلاقی مورد توجه قانونگذار قرار می گیرد. در حقیقت خانواده با اصل استمرار و نگاه عاطفی مبنایی برای حمایت از این نهاد را تداعی می کند بنابراین صورت بندی وضعیت حقوقی نباید به شیوه ای باشد که زمینه سوء استفاده تجاوز از حق یا دین نسبت به تکالیف را فراهم کند.» این وکیل دادگستری به بیان مفهوم گروکشی می گوید: «وقتی در نظام حقوقی ما موضوع مهریه و نفقه و اجرت المثل گروکشی برای حق طلاق زوج، حضانت فرزند، حق خروج از کشور، حق تحصیل و اشتغال است، مشکلات هم شروع می شود، متأسفانه نظام حقوقی خانواده در وضعیت گسبخته ای قرار گرفته است. شرایط برای ایفای تعهدات زوجین نسبت به هم با یک گروگان گیری ناروایی که نظم حقوقی آنها را ساختار بندی کرده است قرین شده بنابراین نظام حقوقی ما به یک بازیبنی و بازیگری نیازمند است.» نقره کار با بیان این که امروز مهریه به یک وعده دروغین تبدیل شده است، در ادامه می گوید: «در نظام فقهی و حقوقی مهریه به مثابه یک هبه و برای الفت و مودت و پشتوانه داشتن زوج مطرح می شود، اما در وضعیت حاضر مهریه فقط به یک خدعه فاقد پشتوانه و دروغی غیر قابل تحقق تبدیل شده است و این باعث می شود که نظام حقوقی خانواده از پشتوانه کافی بهره مند نباشد و سرانجام تاوان این همه نیرنگ و فریب که با موارد دیگری هم مواجه هست باید توسط بودجه عمومی و دولت تامین شود و ما شاهد زوج هایی هستیم که به صورت شناور و مخفیانه زیست اقتصادی در سایه دارند و از فرصت های بسیاری برای آینده خود محروم خواهند بود. این نظم قطعاً نظم نادرستی است و نگاه حقوقی باید به سمتی برود که اصل تناظر در موضوع رعایت شود بر اساس اصل تناظر (اصل حق استماع) که یکی از اصول مهم و اساسی در حقوق دادرسی است هریک از

تنبیه قانونی نیازمند پیوسته های مطالعاتی دقیق و علمی است و جامعه آماری و پیمایش دقیق این موارد مستلزم داشتن مستندات مکفی از محاکم است، البته من در این خصوص آمار دقیقی ندارم اما آنچه که در یک جستجوی ساده اینترنتی دریافتم حاکی است ۱۴ درصد از جرایم غیر عمد و محکومیت های مالی در کشور به مهریه مربوط است و متأسفانه به بودجه عمومی و بیت المال زیان بسیاری وارد می کند و اساساً با فلسفه تقنین نهاد خانواده و بحث های مرتبط با حمایت های مالی از زوج تفاوت دارد.» او با بیان این که شاید بیمه ها با نظام های تأمیننی حمایتی در زمینه حقوق زنان بتوانند جایگزین این رفتارهای ناروا یا خدعه های غیر اخلاقی شوند می گوید: «ما امروز از قانونگذار انتظار حمایت داریم. نهاد خانواده با یک چالش حقوقی ماهیتی و بنیادی مواجه است، ما باید به سمت اصل تناسب و متجانس عمل کردن نهاد خانواده در حوزه عمومی حرکت کنیم، به خصوص در مورد حقوق زنان در موارد مختلفی با

چالش های جدی در عرصه عمل مواجه هستیم که نمونه هایی از آنها را در پرونده های حضانت، خروج از کشور و حق طلاق و عسر و حرج می توانیم تحلیل کنیم.» این وکیل دادگستری می گوید: «بینبند ما مفهوم سوء استفاده از حق را باید در نظر داشته باشیم اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می کند که هیچ کس نمی تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. به عبارت دیگر، حق اعمال شده توسط هر فرد نباید به گونه ای باشد که به دیگران یا منافع عمومی کشور آسیب برساند. ما در شرایطی هستیم که موضوع مهریه خیلی مصداق سوء استفاده از حق یا تعدی نسبت به تکالیف را فراهم می کند. در محاکم نمونه هایی از زوجینی که از بدو وقوع نکاح درصدد مخفی کردن اموال شان از زوجة هستند و با تعرفه یا ثبت اموال شان به نام دیگران زمینه ای برای قرار از قای به عهد شان را فراهم می کنند یا افرادی که با به اجرا گذاشتن صوری مهریه در راستای قرار از یک حق، ضرری را به حقوق دیگران وارد می کنند، کم نیستند. همه این موارد با فلسفه صدق در ازدواج و شفافیت و درستکاری در موضوع عقد نکاح تعارض جدی دارد، ما آسیب شناسی میدانی در این زمینه ها انجام نداده ایم، قانونگذار باید راه ها و منافع فرارها و سوء استفاده هایی از این دست را مسدود کند بنابراین نیازمند آسیب شناسی های میدانی در این حوزه هستیم.» نقره کار برای حل این موضوع راهکارهایی را پیشنهاد می دهد: «مهریه تابع یک امر عرفی است و اساساً وعده آینده بودن مهریه یک خواش و یک تاسیس نارواست. مهریه باید جنبه نقد و مصداق هدیه و هبه داشته باشد و هرگونه وعده آینده بدون رعایت اصل تعهد پذیری زمینه سوء استفاده از حق و یک ضربه به نهاد خانواده را به دنبال خواهد داشت. نظام سنتی حقوقی با نگاه سنتی به نهاد خانواده نمی تواند جامعه امروزی ایران را مدیریت کند، نظام عمومی ما باید با اجتهاد روآزمد به آسیب شناسی این نظم پیشین و سنتی حضانت و سایر چالش هایی که امروز زنان با آنها مواجه هستند با تمرکز بر بیمه های حمایتی و سایر تسهیلاتی که برای زیست شایسته زنان مورد نیاز است فراهم کند.»

او در توضیح مهرالتمعه می گوید: «قانون می گوید اگر مرد قبل از ایجاد هر گونه رابطه زناشویی بخواهد زن را طلاق بدهد به دلیل حمایت از زن باید مهرالتمعه به زن بدهد در اینجا به دلیل صدمه ای که زن به لحاظ روانی دیده مهرالتمعه به او تعلق می گیرد. علاوه بر این قانونگذار می گوید اگر مرد و زنی ازدواج کردند و قبل از اینکه ارتباطی بین آنها ایجاد شود طلاق بگیرند نصف مهر به زن تعلق می گیرد. به عنوان کسی که ۲۷ سال حقوق خانواده درس داده ام می گویم، این قانون عالی ترین دفاع از حقوق مالی زن است اما برخی بر این موارد باور ندارند.»

رئیس انجمن ایرانی مطالعات زنان با گلایه



از اینکه چرا طراحان پیش از تصمیم، ابعاد خانواده را نمی سنجدند، می گوید: «یکی از معیارها برای درآمدزایی اشتغال است، اما در جامعه ما ۱۲ درصد از زنان در مشاغل دولتی کار می کنند. مسأله ما این است که چرا وقتی می خواهند طرحی را عنوان کنند این را با نظر همه جانبه مانند روانشناس، حقوقدان، جمعیت شناس و جامعه شناس بررسی نمی کنند. باید ابعاد مختلف این طرح خصوصاً در ابعاد خانواده سنجدیده و بعد ارائه شود.»

نگاه جامع اطراف به قوانین تحکیم خانواده

داور درباره اینکه باید نگاه همه جانبه در مواجهه با قوانین زنان داشت، می گوید: «اگر قانونگذار می خواهد یک قانون جامع و مانع داشته باشد؛ نباید هزار گاهی به دلیل مسائل اقتصادی و فرهنگی به قانون یک قیچی بزند و اصلاح نگران کننده ای برای جامعه ایجاد

کند، بلکه باید همه جانبه و جانب الاطراف به حقوق خانواده و زنان نگاه کند. این مسأله ضربه خیلی بزرگی به تحکیم خانواده می زند و عامل آن قانونی است که به مسائل خانواده در قانون ما وارد می کند. یکی از نمایندگان هم در تلویزون بیانی داشتند که جای تعجب دارد، او گفته بود وقتی زنی بلافاصله بعد از عقد مهریه اش را به اجرا می گذارد مثل آش نخورده و دهن سوخته است، این بیان جای تأسف دارد و نشان می دهد که این نماینده قانون را نخوانده است.

تورم، رشد مشکلات اقتصادی مطرح است، داور درباره تأثیر تورم بر طلاق می گوید: «اقتصاددان ها باید درباره این موضوع صحبت کنند، البته که همه این مباحث روی طلاق تأثیرگذار است. قیمت سکه همواره در حال رشد است و در عین حال نگاه ها به ازدواج معامله ای و محاسبه ای شده است. در این میان قانونگذار از یک اهرم دیگری در بعد اقتصادی استفاده می کند، مثلاً می گوید مهریه باید تا سقف ۱۱۰ سکه عندالمطالبه باشد، پس تا هر زمان که زن درخواست کرد، می تواند مهریه را طلب کند اما اگر بیش از ۱۱۰ سکه شد، باید توان مالی مرد در نظر گرفته شود.»

او این طرح را بار اضافهای بر دوش زنان قلمداد می کند و می گوید: «برای مهریه که حق زن است محدودیت هایی گذاشته اند. بدین شکل که اگر مرد مالی داشته باشد و زن ثابت کند که آن مال وجود دارد، می تواند مهریه را بگیرد. همه حقوقدانان و فعالان حقوق زن به این موضوع اعتراض دارند که چرا از حق زن کم و بار روی دوش زنان را بیشتر می کنند؟ حالا چون زندانیان مهریه زیاد شده اند باید بار آن را روی دوش زنان گذاشت؟»

رئیس انجمن ایرانی مطالعات زنان با اشاره به اینکه عوامل بررسی افزایش قیمت سکه مهم تر از کاهش تعداد آن است، می گوید: «چرا صورت مسأله را پاک می کنند؟ چرا جای اینکه تعداد سکه را از ۱۱۰ به ۱۴ برسانند، عوامل افزایش قیمت سکه را بررسی نمی کنند. فکر می کنند اگر میزان مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه برسد، مسأله حل می شود. از طرفی حبیبی هم دیگر امکان پذیر نیست زیرا باعث پر شدن زندان ها می شود. در این طرح استفاده از پابند الکترونیک را جایگزین حبیبی کرده اند بدون اینکه عواقب آن را در نظر بگیرند. آن فرزندی که پدر را با پابند الکترونیکی در خانواده می بیند، آسیب روانی جدی و زیادی خواهد دید. آیا قانونگذار به این موضوع فکر کرده است؟»

قانون ما مواردی مثل این موضوع وجود دارد؛ تا زمانی که مهریه به زن داده نشده او می تواند از تمکین خودداری کند. این حقوقدان درباره دیدگاه اشتباه جامعه نسبت به این موضوع می گوید: «برخی با نگاه اشتباه تصور می کنند وقتی زنان در جامعه نسبت به این موضوع آگاه شدند مهریه را یک وسیله



نقره کار:

مهریه تابع یک امر عرفی است و اساساً وعده آینده بودن مهریه یک خواش و یک تاسیس نارواست. مهریه باید جنبه نقد و مصداق هدیه و هبه داشته باشد و هرگونه وعده آینده بدون رعایت اصل تعهد پذیری زمینه سوء استفاده از حق و یک ضربه به نهاد خانواده را به دنبال خواهد داشت



داور: همه حقوقدانان و فعالان حقوق زن به این موضوع اعتراض دارند که چرا از حق زن کم و بار روی دوش زنان را بیشتر می کنند؟ حالا چون زندانیان مهریه زیاد شده اند باید بار آن را روی دوش زنان گذاشت؟»



دکتر معصومه گل محمدی:

نقعه در شرع ما پابرجاست، آن هم نقعه‌ای در شأن زن، یعنی زن براساس شرایطی که قبل از ازدواج زندگی می کرده، هم‌شان زندگی قبل از ازدواجش، باید از مرد نفقه دریافت کند. این یکی از مهم‌ترین حقوقی است که شرع برای زنان در نظر گرفته است.

یک قرآن‌پژوه بر اساس احکام اسلامی تفسیر کرد

مهریه، هدیه‌ای که مرز ندارد

دکتر معصومه گل محمدی، قرآن‌پژوه و دبیر کارگروه فقه انجمن ایرانی مطالعات زنان که دارای تحصیلات حوزوی است در مورد مهریه می‌گوید: «در قرآن آمده مهریه هدیه‌ای از طرف شوهر به زن است، کسی برای هدیه نرخ نمی‌گذارد و یک موضوع کاملاً دوطرفه است. یعنی شوهر می‌خواهد این هدیه را تقدیم زن کند، بنابراین مقدار آن را هم باید خودش تعیین نماید.» دبیر کارگروه فقه انجمن ایرانی مطالعات زنان با انتقاد از طرح تعیین سقف برای مهریه می‌گوید: «متأسفانه در چند سال اخیر به دلیل مسأله اجبار در پرداخت مهریه و قانون تلقی شدن این مسأله، افرادی برای پرداخت نکردن آن به زندان رفته‌اند که این موضوع نه تنها کمکی به خانواده‌ها نکرده، بلکه باعث متلاشی شدن بسیاری از خانواده‌ها هم شده است. مهریه هدیه است، هدیه‌ای که مرز ندارد، خود شوهر تعیین می‌کند، به همسرش تقدیم می‌کند، هیچ کس نمی‌تواند بگوید ما برای این قضیه مقدار و مرز در نظر می‌گیریم، چون هدیه اصلاً این کاربرد را ندارد که کسی برای آن نرخ تعیین کند.» گل محمدی با ارائه راهکاری در این مورد توضیح می‌دهد: «اگر قرار است قانونی در مورد مهریه باشد، باید پس از تعیین شدن توسط مرد که حتماً شوهر آن را بر اساس وسع خود تعیین می‌کند، در همان دفترخانه و در زمان عقد پرداخت شود تا دیگر همانند چک بی محل نباشد.» این قرآن‌پژوه با انتقاد از عبارت‌هایی مثل «مهریه را کی داده، کی گرفته» می‌گوید: «اینکه از قدیم می‌گفتند مهریه را کی داده، کی گرفته برداشت بسیار اشتباهی است. مهریه باید در حد وسع داماد باشد

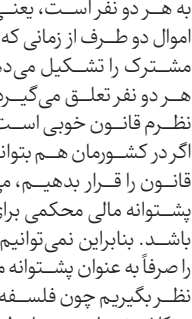
و به صورت عندالمطالبه در همان محضر و در لحظه عقد پرداخت شود. این می‌تواند جنبه قانونی هم پیدا کند، یعنی دفترخانه‌ها زمانی که می‌خواهند عقدی را ثبت کنند، از عروس سؤال کنند آیا مهریه شما پرداخت شده است یا نه و اگر نشده در همان لحظه الزام‌های قانونی را برای پرداخت آن در نظر بگیرند، اینکه چه چیزی باشد و داماد باید چگونه پرداخت کند. طی سال‌های اخیر، نامه‌نگاری‌های زیادی در این مورد با مجلس داشته‌ام اما نه تنها مشکلی حل نشده بلکه مشکلی به مشکلات قبلی هم اضافه شده است.» گل‌محمدی با تأکید بر اینکه اگر پیش‌نهادش در مورد مهریه عملی شود بخشی از مسائل برطرف می‌شود، می‌گوید: «اولین اثر اجرای این پیشنهاد، این است که چشم و هم‌چشمی‌ها در مورد مهریه از بین خواهد رفت. اینکه خانواده بگوید ما برای دخترمان این‌قدر مهریه در نظر گرفته‌ایم یا در فامیل ما این‌قدر مهریه رسم است و این مسأله باعث چشم و هم‌چشمی شود، از بین می‌رود. براساس آیات الهی، مهریه فقط یک هدیه از طرف شوهر به زن است.» او با اشاره به اینکه ممکن است برخی بگویند مهریه پش‌توانه مالی زن است و برای همین مقدار مهریه را بالا می‌برند، می‌گوید: «برخی از خانم‌ها این مسأله را مطرح می‌کنند که مهریه می‌تواند پش‌توانه مالی زن باشد و اگر کم یا قرار باشد همان لحظه پرداخت شود، زنان در جایگاه ضعیفی قرار خواهند گرفت که به نظر من دغدغه بجایی است و در این مورد هم به چند نفر از علمای حقوق از جمله آیت‌الله محقق داماد که شاگرد ایشان هم هستیم نامه نوشتیم

یک کنشگر حوزه زن و خانواده مطرح کرد

طرح حبس زدا یا جرم‌زا

است، در زندگی زناشویی قابل اثبات نیست و اثبات آن بسیار سخت است زیرا در زندگی زناشویی آن قدر فضا، فضایی محرمانه و خصوصی است که ما نمی‌توانیم از هیچ شهادی کمک بگیریم، کسی هم علیه خودش شهادت نمی‌دهد، پس اکثراً عسر و حرج روجه قابل اثبات نیست. برای همین وکلا از این ابزار مهریه استفاده می‌کردند و با این ابزار مردان را پای مذاکره می‌آوردند و بسیاری اوقات توافقی حاصل می‌شد. حسنی حلم با تأکید بر اینکه بر خلاف شارع مقدس و قانون اصلاً نمی‌شود برای مهریه سقفی در نظر گرفت، می‌گوید: «مدافعان می‌گویند سقف تعیین نشده و مردم می‌توانند هر چه قدر می‌خواهند مهریه تعیین کنند اما فقط ۱۴سکه قابل حمایت قضایی خواهد بود ولی مردم تصور می‌کنند که مهریه از این به بعد فقط همان ۱۴سکه خواهد بود. یعنی فکرمی‌کنند کل مبلغ ۱۴سکه است در صورتی که صرفاً این بحث ضمانت است حالا سؤال اینجاست به هر حال شرایط اقتصادی برای مردان سرزمین ما سخت شده اما آیا شرایط برای زنان سرزمین ما راحت‌تر شده است؟ اگر روزگار برای مردان سخت می‌گردد حتماً برای زنان سخت‌تر است مگر چند درصد از زنان ایرانی متأهل هستند؟ این است که خانم‌ها وظیفه نقعه‌آوری ندارند و به همین جهت شرع مقدس برای آنها حقوقی مثل مهریه، نفقه و اجرت‌المثل را در نظر گرفته است. می‌بینید که هیچ زنی وقتی حال زندگی او خوب است، تقاضای مهریه نمی‌کند تقاضای مهریه برای بسیاری از زنان وقتی مطرح می‌شود که یکی از زوجین فوت کرده باشد.» هرچند منکر درصد بسیار جزئی از زنان نیستیم که با نیت کلاهبرداری وارد رابطه ازدواج می‌شوند ولی این در مقابل درصد زنان نجیب ما که از حق شرعی و قانونی خود برای حفظ خانواده سکوت می‌کنند، قابل مقایسه نیست و راهکار این مسأله آموزش و فرهنگسازی است. او با بیان این که براساس آخرین آمار ستاد دیه که به مجلس ارائه شده است تعداد محکومان مالی به دلیل پرداخت نکردن مهریه فقط دو هزار و ۸۰ نفر بوده، می‌گوید: «در جلسات متعددی با قضات محاکم خانواده مطلع شده‌ایم که این تعداد حتی با وجود قانون فعلی هم نباید به زندان می‌رفتند! و معیشت مرد به خصوص در شرایط اقتصادی حاضر درخواست اعسار می‌دهد در اکثر اوقات با آن موافقت می‌شود، بنابراین افرادی که در زندان هستند یا جرایم کیفری دیگری دارند که همزمان با بحث مهریه‌شان در بپای است یا در مورد تعدادی از آنها قاضی بقین پیدا می‌کند که این مرد توانایی مالی دارد و مهریه را پرداخت نمی‌کند. با این اوصاف مطرح شدن این طرح فعلی بی‌توجهی به قضاتی است که این احکام را صادر می‌کنند. از طرفی فرض کنیم که این ۲۰۸۰ نفر واقعاً زندانیان محبوس به دلیل مهریه هستند که به استناد صحبت‌های قضات در بحث اجرای احکام که برای ما مستدل است، شاید ۱۰ درصد این آمار هم در کل کشور موجود نباشد، حالا اگر همین ۲۰۸۰ نفر را در کل کشور تقسیم کنیم یعنی در هر استان ۲۰۰۸۰ مرد داریم که به خاطر مهریه زندانی هستند، سؤال اینجاست آیا نمی‌شد راهکاری بیندیشیم که به جای اینکه وقت مجلس گرفته و امنیت روانی و مالی زنان زیادی را به خاطر دو هزار نفر مخدوش کنیم خیلی راحت با رصد وضعیت افرادی که به خاطر مهریه محبوس هستند و خانواده‌های‌شان متوجه شویم که چرا زنان این افراد

و درخواست کردیم این موضوع را به شکل پایان‌نامه عقد رفت کنند تا ببینیم در جوامع دیگر از جمله جوامع اروپایی یا سایر کشورهای مسلمان به چه شکلی عمل می‌کنند که در اینجا هم شرایطی را مانند شروط با عقد، قرار بدیم تا مسأله پش‌توانه مالی زن هم تأمین شود. البته در مورد قانون اروپا اطلاعاتی داریم. آنها از زمانی که زن و مرد زیر یک سقف می‌روند و زندگی‌شان را شروع می‌کنند تا زمانی که بخواهند به هر شکلی از هم جدا شوند، تمام اموال متعلق به هر دو نفر است، یعنی همه اموال دو طرف از زمانی که زندگی به هر دو نفر تعلق می‌گیرد که به مشترک را تشکیل می‌دهند به هم هر دو نفر تعلق می‌گیرد که به مشترک را قرار بدیم، می‌تواند نظرم قانون خوبی است. مثلاً اگر در کشورمان هم بتوانیم این قانون را برای بدیم، می‌تواند پش‌توانه مالی محکمی برای زنان باشد. بنابراین نمی‌توانیم مهریه را صرفاً به عنوان پش‌توانه مالی در نظر بگیریم چون فلسفه مهریه در کلام خدا، هدیه از طرف مرد به زن است و چیزی از پش‌توانه مالی گفته نشده است اما باید برای پش‌توانه مالی هم چاره‌اندیشی کنیم که دغدغه بجایی هم هست.»



به زن است و چیزی از پش‌توانه مالی گفته نشده است اما باید برای پش‌توانه مالی هم چاره‌اندیشی کنیم که دغدغه بجایی هم هست.»

نقعه در شرع ما پابرجاست

دبیر کارگروه فقه انجمن ایرانی مطالعات زنان در پاسخ به این سؤال که در شرع بجز مهریه چه حمایت‌های

دیگری از زنان مطرح شده است، می‌گوید: «نقعه در شرع ما پابرجاست، آن هم نقعه‌ای در شأن زن، یعنی زن بر اساس شرایطی که قبل از ازدواج زندگی می‌کرده، هم‌شان زندگی قبل از ازدواجش، باید از مرد نفقه دریافت کند. این یکی از مهم‌ترین حقوقی است که شرع برای زنان در نظر گرفته است.» این اسلام‌پژوه با اشاره به بحث تمکین در ادامه می‌گوید: «مسأله تمکین طبق آیه ۳۲ سوره نسا مطرح می‌شود، اما تمکین شرط نفقه نیست، متأسفانه حقوقدانان این مسائل را با هم مخلوط می‌کنند، یعنی این‌طور نیست که اگر زنی تمکین نکند نفقه به او تعلق نمی‌گیرد و اصلاً چنین برداشتی از این آیه احساس نمی‌شود. هرچند مسأله تمکین به نوعی از حقوق شوهر است، منتهی تمکین هم باید شرایط خاص خودش را داشته باشد که انجام شود. همین شرعی که زن را مکلف به تمکین کرده، در شرایط خاصی مثل دوران عادت ماهیانه، بارداری و... او را از این قضیه مستثنی می‌کند، حتی در مواردی مثل مسأله عادت ماهیانه زنان، خداوند در قرآن تصریح می‌کند که این موضوع برای زن آزاردهنده است و در این شرایط باید حال زن رعایت شود. با این همه اصل حرف من این است که تمکین شرط نفقه نیست، این مورد به هم ارتباطی ندارد.» این قرآن‌پژوه با بیان اینکه در گذشته زنان از نظر مالی به



مختلف را به آنها تفهیم کنند، نه اینکه همانند خیلی از مشاوره‌های قبل از ازدواج صوری باشد، این تفهیم باید حداقل یکی دو ساعت و به صورت کاملاً خصوصی باشد زیرا زندگی‌های مختلف نسخه‌های متعدد هستند و ما نمی‌توانیم برای همه زندگی‌ها نسخه واحدی بپیچیم. همین ۱۴سکه ممکن است برای زوجی زیاد و برای زوج دیگری خیلی کم باشد، نسخه‌های زندگی قابل کبی نیست باید حقوق و تکالیف هر کدام را در نظر داشت در حضور دیگری به او آموزش داده شود. اگر مهریه سنگین نوشته می‌شود همانجا عدل پرداخت در عقدنامه ذکر شود تا مرد بداند که باید این مبلغی که می‌نوسید را پرداخت کند. پس با راهکارهایی بهتر می‌توانیم همین تعداد زندانی محدود را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم امروز قانون را داشته باشیم.» عسو کاوون تکریه زن و خانواده در پاسخ به اظهارنظر یکی از مدافعان طرح که از عدم اطلاع‌رسانی صحیح در مورد حمایت‌های طرح از زنان گله کرده بود، می‌گوید: «یکی دو ساعده از طرح فقوق حمایت‌های جزئی از زنان دارد، اما وقتی که می‌خواهیم قانون بنویسیم و این همه زمان برای این قانون هدر می‌رود باید شرایط بهتر و امیدوار را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم امروز قانون را تصویب کنیم و دوباره دو سال دیگر به سراغ تغییر مواد و اصلاح آنها برویم. دغدغه‌مندان این حوزه می‌دانند که مشکلات خانواده یک شبه به وجود نمی‌آید. زانی که می‌خواهند طلاق بگیرند اگر بذل کل مهریه‌شان را داشته باشند و اگر دو سال جدایی منجر به طلاق را داشته باشند دادگاه اگر کراهت این خاتم را تشخیص دهد او می‌تواند طلاق بگیرد شاید این از نگاه مدافعان ماده خوبی باشد چون مادر محاکم و دستگاه قضا پرونده‌های ۸ و ۱۰ساله هم داریم که زن معطل می‌شود ولی این کار چند ایراد اساسی دارد که نمی‌توانیم آنها را برطرف کنیم. ایراد اول که مدافعان باید جواب بدهند این است که زنی که کلیه حقوق مالی‌اش را بذل می‌کند باید چگونه به زندگی ادامه دهد؟ چند درصد زنان جامعه شاغل و حقوق بگیر هستند و چه طور باید خودشان و فرزندان‌ی که احیاناً رها شده‌اند را با نفقه ناپیزی که ممکن است تعیین شود، مدیریت کنند؟ پس من با بذل کلیه حقوق مادری من مخالفم. نمی‌توانیم این قانون را برای همه زنان سرزمین مان بنویسیم زیرا این ماده آنها را دچار آسیب‌های اجتماعی می‌کند. ایراد بعدی این است که زن باید دو سال از مرد جدا زندگی کند. در فقه شرع حتی در طلاق‌های رجعی زن و مرد می‌توانند

با هم زندگی کنند شاید ریسمانی که در حال باره شدن است دوباره بهم وصل شود، اما با این ماده ما زنان نجیب‌مان را تشویق می‌کنیم که دو سال جداگانه زندگی کنند. سؤال اینجاست زنان در دو سال کجا و به چه چیزی زندگی کنند آیا مدافعان ضمانت می‌دهند این زن دچار آسیب‌های اجتماعی نشود؟ متأسفانه بیشتر آسیب‌های اجتماعی که زنان با آن مواجه می‌شوند ناشی از مشکلات معیشتی است، نکته جالب دیگر در این ماده این است که زن بعد از بذل تمام حقوق مادی تازه باید به دادگاه اثبات کراهت کند من صددرصد و با یقین معتقدم این طرح نه تنها برای زنان چیزی ندارد بلکه حتی به نفع مردان هم نیست، چون مرد در خانواده زندگی می‌کند و باید در خانواده‌ای زندگی کند که مالش خوب باشد و ستون این خانواده مادر است زمانی که زن را در نظام حقوقی خودمان محاکم کنیم، نمی‌توانیم او را به نقش مادری و خانواده تشویق کنیم.» حسنی حلم که از آغاز در جریان این طرح و تغییرات آن بوده در پاسخ به اینکه زنان از خانواده در جریان این طرح نبوده‌اند، می‌گوید: «متأسفانه مدافعان طرح درک درستی از مسائل و مشکلات زنانه ندارند برای همین وقتی صحبت می‌کنیم به احساساتی بودن منتهم می‌شویم وقتی درک درستی نباشد نمی‌توان راه‌حل‌های درستی هم پیدا کرد. متأسفانه در کمیسیون قضایی درکی از مسائل زنانه وجود ندارد. آنها برای این طرح به مشورت قضات، فعالان و حقوقدانان از استفاده نکرده‌اند که حداقل با نگاه آنها مسائل را ببینند آنها حتی با خیلی از قضات و حقوقدانان مرد خانواده محور هم مشورتی نکرده‌اند، مدافعان باید جواب بدهند با چند قاضی اجرای احکام و چند قاضی مجتمع خانواده مشورت کرده‌اند؟ نکته دیگر اینکه متأسفانه ۱۴زن در مجلس حضور دارند که به‌جز یکی دو نفر حقوقی بقیه تنها در حیطه‌ای تخصصی خودشان فعالیت می‌کنند. از طرفی هم‌زمان در مجلس سه مسأله زنان در حال پیگیری بود یکی بحث کرامت و صیانت زنان و بحث مهریه، بنابراین زمانی بحث مهریه در کمیسیون قضایی تصویب شد که زنان در کمیسیون‌های تخصصی خودشان مشغول بودند آنهایی که درگیر مسائل زنان هستند هم مشغول لایحه کرامت بودند و نتیجه می‌کنند که در زمان ده روزه اصلاً متوجه طرح نشده‌اند. ولی اعضای کمیسیون حقوقی از این فرصت استفاده کرده‌اند یا نه؟ هیچ وجه احترامی برای این ۱۴ زن مجلس قائل نبودند که حداقل نظر آنها را بپرسند؟ دوم این‌که به دلیل سرمایه اجتماعی به هر حال نبیمی از این جامعه رازنان تشکیل می‌دهند. همه ما در پیشگاه خدا و وجدان‌مان مسئول هستیم. یکی دیگر از موارد این طرح بحث حق حبس است، حق حبسی که هم شارع مقدس و هم قانون‌گذار در قانون مدنی برای زنان محترم شمرده است از این طرح از بین می‌رود. به ظاهر قضیه حبس‌زدایی بسیار زیاست ولی متأسفانه خودمان جامعه‌ا را ایجاد می‌کنیم که ممکن است به جرم زایی زوجین بالاخص زنان منجر شود. این طرح با شرع مقدس، قانون اساسی و نگاه امامین انقلاب و مسأله عزت و کرامت زنان در نظام اسلامی به هیچ وجه همخوانی ندارد. شخصاً این مسأله را به عنوان یک مانع جمعیتی لحاظ می‌کنم چون نمی‌شود بدون حمایت از مادر خانواده توقع فرزندآوری داشت. مجلس محترم در این چند سالی که رهبر عزیزمان بارها سر مسأله زنان و ظلم به زنان و وظیفه مجلس در تصویب لایحه‌ای محکم و سخت در جلوگیری از ظلم زنان فرمودند، چه کرده‌اند؟



فاطمه محمدبیگی:

اینکه حبس کم شود و محکومان مالی هم به سرعت بتوانند ادای دین کنند بد نیست، اما نکته‌ای که وجود دارد، اشکالات و مواردی است که مطرح کردیم و خواستیم این طرح به کمیسیون برگردد و اصلاح شود. تقاضای ما این است که این قانون در جلسه رسمی فراکسیون با حضور کارشناسان مسلط مورد بررسی اعضا قرار بگیرد و سپس به کمیسیون حقوق قضایی داده شود.

رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی:

ما در جریان نبودیم

در مجلس یازدهم و در روزهایی که قیمت سکه هر روز بالا می‌رفت، خبر تعیین سقف برای مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه در جامعه منتشر شد. در مجلس یازدهم، طرح اصلاح قانون مهریه در کمیسیون حقوقی تصویب شد و در نوبت صحن هم قرار گرفت، اما عمر مجلس یازدهم اجازه رسیدگی به این طرح را نداد، ولی نماینده‌های مجلس دوازدهم این طرح را فراموش نکردند. حالا این طرح با همه موافقان و مخالفانش در صحن قرار دارد. طرحی که به نیمی از زنان جامعه مربوط می‌شود.

فاطمه محمدبیگی، نماینده قزوین و رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در مورد بحث اصلاح مودای از قانون اجرای محکومیت مالی با بیان اینکه در حال حاضر محکومان زیادی به دلیل مهریه در زندان هستند، می‌گوید: «همین موضوع باعث آسیب به استحکام خانواده شده است و متأسفانه شاهد افزایش میزان نرخ طلاق در جامعه هستیم. بنابراین ما موافق تغییر قوانین محکومیت‌های مالی

و همچنین قوانین مهریه هستیم.» رئیس فراکسیون زنان با اشاره به اینکه دعاوی خانواده و بحث کاهش زندانیان محکومیت مالی نباید باعث شود حقوق زن به عنوان مادر یا همسر آسیب ببیند، توضیح می‌دهد: «آنچه که فراکسیون زنان و خانواده در جلسات تأکید می‌کند، رعایت حقوق متقابل اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و رعایت حقوق همسری و حق نفقه و مهریه زن در این زمینه است. به هر حال در اسلام قوانین مترقی بسیاری وجود دارد که در نظام اقتصادی و استحکام خانواده نقش دارند. در نشست نمایندگان زن جهان در مکزیک، به برخی از این موضوعات اشاره کردیم و مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفت. در حقیقت قوانین اسلام باعث شده میزان جذب افراد خارجی و غیرمسلمان به دین اسلام در کشورهای اروپایی هم افزایش داشته باشد. یکی از دلایل مسلمان شدن خانم‌ها، اجرای همین قوانین مهریه و نفقه در کشور ماست که اگر به درستی اجرا شود، حقوق زنان در حوزه مهریه و نفقه استیفا خواهد شد.» محمدبیگی

با اشاره به اینکه امروز در جامعه شاهد مهریه‌های نجومی هستیم، تأکید می‌کند: «متأسفانه در بعضی از گروه‌ها شاهد مهریه‌های نجومی عجیب و غریبی هستیم که مرد را به زندان می‌اندازد و باعث آسیب شدیدی به او می‌شود. عملاً زن هم به حقوقش نمی‌رسد. از طرفی اگر حمایت مالی از زن نباشد، زن‌ها هم آسیب می‌بینند، به نظر ما باید پیشنهادهای را مصوب کنیم که نظام‌سازی قرائنی را رعایت کند؛ هم حق و حقوق اقتصادی زن زیر سؤال نرود، هم قانونگذار سختگیری بیش از اندازه نداشته باشد. متأسفانه سختگیری سبب می‌شود عملاً پرداخت دیون هم به خوبی انجام نشود.» رئیس فراکسیون زنان با بیان اینکه این طرح در کمیسیون



حقوقی قضایی مجلس مطرح و مورد بررسی قرار گرفته و اصلاً نظرات فراکسیون زنان در آن مطرح نشده است، می‌گوید: «اینکه حبس کم شود و محکومان مالی هم به سرعت بتوانند ادای دین کنند بد نیست، اما نکته‌ای که وجود دارد، اشکالات و مواردی است که مطرح کردیم و خواستیم این طرح به کمیسیون برگردد و اصلاح شود. تقاضای ما این است که این قانون در جلسه رسمی فراکسیون با حضور کارشناسان مسلط مورد بررسی اعضا قرار بگیرد و سپس به کمیسیون حقوق قضایی داده شود. متأسفانه تغییر سقف مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه باعث شده در این بازه زمانی محدود، شاهد افزایش چشمگیر مراجعه مردم برای دریافت مهریه باشیم؛ یعنی افراد از ترس تغییر قانون و اینکه نتوانند

دکتر الهه کولایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران:

نیازمند اصلاح نظام حقوقی خانواده هستیم

بر اساس قوانین قهقی ما حق قطعی زن در ازدواج، مهریه و نفقه است، اما همین حقوق هم مدام دستخوش تغییر شده و محدودتر می‌شوند، بدون اینکه آن طرف کفه ترازو به سود زنان اصلاح شود. این روزها، مجلس درگیر طرح کاهش مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه و حبس‌زدایی از مردان بدهکار مهریه است، طرح‌هایی که هنوز تصویب نشده، اما موافقان و مخالفانی دارد به طوری که یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی معتقد است، نمایندگان باید قانون را به گونه‌ای اصلاح کنند که شهروندان بویژه زنان و دختران جوان به تضمین مهریه برای حفظ نیاز خانواده نیازی نداشته باشند، حتی در مواردی به شکل تجاری با این مسأله برخورد نکنند. نمایندگان به جای محدود و مسدود کردن مسیر افزایش مهریه، به عنوان تضمین زندگی زناشویی، بهتر است به اصلاح نظام حقوقی خانواده روی آورند. نمایندگان مجلس به دنبال تغییر در میزان سکه‌های مهریه هستند، ولی در آن سناریو ماجرا زنانی قرار دارند که بدون پشتوانه مالی، درآمد و اشتغال بعد از جدایی باید زندگی‌شان را مدیریت کنند. کاهش میزان سکه و حبس‌زدایی فقط کفه ترازو را به سود مردان سنگین‌تر می‌کند، بدون آنکه حتی برای زنان در نظر گرفته شود.

دکتر الهه کولایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران با اشاره به لزوم ارتباط برقرار کردن نظام قانونگذاری با تحولات اجتماعی در همه سطوح، می‌گوید: «با اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس می‌تواند به عنوان نهادهای رابطی میان مجلس، جامعه علمی و نخبگان عمل کند و در مورد طرح‌هایی که نمایندگان در مجلس مطرح می‌کنند، دیدگاه‌های کارشناسی صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف را به آنها منتقل کند، به نظر می‌آید چنین کارکردی

شکل نمی‌گیرد و از ظرفیت‌های علمی و کارشناسی کشور در وضع قوانین و ارائه طرح‌های قانونی استفاده لازم انجام نمی‌شود. واقعیت آن است که نظام حقوقی عقد و ازدواج نمی‌تواند با واقعیت‌های متحول جامعه ایرانی در شرایط کنونی ناهمخوان باشد.»

جایگاه زنان و مردان به دلیل تحولات بسیار سریع اجتماعی و فرهنگی، اقتضای حتی سیاسی جامعه، دگرگونی‌های بسیار بنیادین و اساسی را پذیرا شده که در نظام قانون‌گذاری و وضع قوانین کشور هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است. این نماینده سابق مجلس در این‌باره توضیح می‌دهد: «شاهد هستیم به جای یک رویکرد همه‌جانبه و واقع‌گرایانه به تحولات گسترده و عمیق جامعه، طرح‌های در کمیسیون‌های تخصصی مجلس ارائه می‌شود که به جای حل مشکل، فقط مشکلی به جای حل‌های قبلی اضافه می‌کنند. از جمله موضوع کنترل مهریه که متأسفانه به عنوان تقصیمی برای دوام و بقای خانواده و نظام زناشویی همواره مورد توجه بوده است. سال‌هاست که زنان کوشیده‌اند با استفاده از اهرم مهریه برای دفاع از حقوق انسانی خود در ساختار خانواده اقدام کنند. حالا برخی از نمایندگان این گونه طرح‌های قانونی یعنی کاهش مهریه به ۱۴ سکه را ارائه می‌کنند، بدون اینکه توجهی به این تحولات بویژه به نیازهای امروز زنان جامعه داشته باشند.»

قوانین ازدواج باید به‌روز شود

به گفته دکتر کولایی، توجه نداشتن به شرایط خانواده در جامعه فعلی، یعنی نرخ بالای طلاق، نبود تمایل به ازدواج میان جوانان و پیامدهای طبیعی آن که کاهش شدید رشد جمعیت در کشور است، در این نوع مباحث جایگاه خود را پیدا نمی‌کند. او می‌گوید: «ما شاهد هستیم، شیپور را از سرگشادش می‌زنند به این معنا که کشور نیازمند اصلاح اساسی قانون ازدواج و قوانین مربوط به نظام خانواده است تا خانواده‌ها مجبور نشوند برای محافظت از این نهاد بسیار ارزشمند اجتماعی، به افزایش مهریه حتی مهریه‌های غیرمنطقی روی بیاورند. درواقع شاهد نوعی مسابقه و رقابت در تعیین تعداد سکه در مهریه هستیم.» آنچه امروز در مورد مهریه و افزایش چشمگیر آن و طرح‌های قانونی برای مهارش مطرح می‌شود، نمایشی از بی‌توجهی

به واقعیت‌های اجتماعی و ضرورت انجام تکالیف و وظایف نمایندگان مجلس و قانونگذاری است، موضوعی که دکتر کولایی به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «نمایندگان باید قانون را به گونه‌ای اصلاح کنند که شهروندان، بویژه زنان و دختران جوان به تضمین مهریه برای حفظ نهاد خانواده نیازی نداشته باشند، حتی در مواردی به شکل تجاری با این مسأله برخورد نکنند. در واقع نقش عامل مهریه از کارکرد طبیعی آن خارج نشود، به طوری که امروز شده است، به جای محدود و مسدود کردن مسیر افزایش مهریه به عنوان تضمین زندگی زناشویی و در واقع ایجاد اعتماد در خانواده‌ها برای درگیر شدن در امر ازدواج، بهتر است به اصلاح نظام حقوقی خانواده روی آورده شود.»

این نماینده سابق مجلس در ادامه می‌گوید: «توجه به نیازهای زنان امروزی در جامعه، که الگوی‌های بسیار موفقی را خارج از مرزهای ملی ایجاد کردند، می‌تواند راهکار مؤثری باشد.»

شرایط با عقد منوط به پذیرش مرد است

اصلاح نظام حقوقی خانواده و توجه به نیازهای زنان امروزی موضوعی است که باید با تغییر قوانین اصلاح شود. این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی توضیح می‌دهد: «نوانسته‌ایم در سندهای ازدواج شرایط با عقدی را بکنجاییم، اما متأسفانه موکول شده به پذیرش از سوی مردان. باید این شرایط شکل قانونی پیدا کند. قانونگذار هم به شکل عرفی و شرعی نشان داده ظرفیت انجام این کار را دارد، بنابراین نیازمند اصلاح قانون هستیم.» او با اشاره به اینکه همه کارشناسان و حقوقدانان به ظرایف نبود قانون حمایتی واقف هستند و خانواده‌ها آن را تجربه می‌کنند، بیان می‌کند: «زنانی که حقوقی قانونی ندارند، چگونه می‌توانند وارد رابطه‌ای شوند که از ابتدا به آنها گفته می‌شود در نظام حقوقی با این امضا، شما این حقوق را از خود سلب می‌کنید! تا هنگامی که این اصلاح در نظام قانونی رخ ندهد، یعنی یک رابطه مشارکتی میان زن و مرد که به عنوان همسر با هم زندگی می‌کنند، جنبه عینی و وجود خارجی پیدا نکند و از سطح شعار و تکریم‌های شفاهی به سطح عمل و واقعیت‌های زندگی انتقال پیدا نکند، بحران نظام خانواده در کشور حل نخواهد شد. خانواده، دختران و زنان برای ورود به رابطه زناشویی راه‌هایی برای دور زدن قانون خواهند یافت، تا مسائل را خود حل کنند. نظام حقوقی قانونی هم قادر به مهار این ابتکارها نخواهد شد.»

زندان با پابند هیچ مشکلی از زنان حل نمی‌کند

دکتر کولایی درباره جرم‌زدایی و حبس‌زدایی از مهریه هم می‌گوید: «اینکه برای مردان پابند الکترونیک در نظر گرفته شود، هیچ مشکلی را از زندگی زنان حل نمی‌کند. اکنون موضوع زندگی زنی که به هر دلیل ناچار به جدایی شده در میان است. هر اتفاقی که برای مرد رخ دهد از رفتن به زندان تا جرم‌زدایی و داشتن پابند، هیچ مشکلی را از مسائل زن در شرایط طلاق و جدایی حل نمی‌کند، چرا که قانونگذار باید به فکر تعادل بخشیدن به زندگی مشترک باشد.» قانونگذار می‌تواند اشتراک در اموال، آنچه را که زن و مرد با هم ساخته و به دست‌آورداند در نظر بگیرد، موضوعی که بیشتر کشورها در نظام قانونی‌شان دیده‌اند. آنان اجازه دور زدن قانون و نادیده گرفتن آن بعد از تاریخ مشخص ازدواج را به مردان نمی‌دهند؛ موضوعی که این استاد دانشگاه در مورد آن می‌گوید: برخلاف تمام تکریم و تمجیدهای بسیاری که از موقعیت و جایگاه زنان و مادران انجام می‌شود، متأسفانه پیامد حقوقی لازم و مناسب در دفاع از جایگاه و موقعیت زنان در نهاد خانواده وجود ندارد. این خشونت‌های ساختاری نشان‌دهنده باور نداشتن به حقوق زنان است و بی‌تردید این گونه تلاش‌ها را همچنان ناکام و بدون تأثیر می‌گذارد، چرا که هدف اصلی قانونگذار باید تقویت و استحکام نهاد خانواده، جلوگیری از شکل نگرفتن جدایی‌ها و استواری خانواده باشد که با این نوع طرح‌ها چنین هدفی قابل دسترس نخواهد بود.»

آناهیتا سیفی، دانشیارگروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی:

مهریه تنها وسیله حفظ حقوق زنان در ازدواج

مهریه یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد ازدواج است و پرداخت آن به حکم قانون، بر عهده مرد است. اما همین حق قانونی ازدواج که برای زنان در نظر گرفته‌اند، بارها مورد تغییر قرار گرفت تا جایی که اکنون از ۱۱۰ سکه می‌خواهند آن را به ۱۴ سکه برسانند. مخالفان قانون جدید مهریه معتقد هستند که این قانون توازن میان حقوق زن و مرد را فراهم نمی‌کند و می‌تواند منجر به کاهش ازدواج‌ها و از بین رفتن حقوق زنان شود. از طرف دیگر موافقان معتقدند اگر این طرح تبدیل به قانون شود، زندانیان مهریه رها شده و حبس‌زدایی انجام می‌شود. به گفته دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی، شروط با عقد در راستای تعادل حقوق زوجین باید تقویت شود. درحال حاضر مهریه کارکرد واقعی خود را بین زوجین از دست داده است. زنانی که می‌خواهند طلاق بگیرند از مهریه برای اعمال فشار بر مرد استفاده می‌کنند. چرا که حق طلاق را ندارند. به همین دلیل مخالفان طرح جدید مجلس معتقدند مهریه تنها دستاویز حفظ حقوق زنان در ازدواج است.

آناهیتا سیفی دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اینکه مطالبه و پرداخت مهریه یکی از مسائل پرجالش در حوزه خانواده است، می‌گوید: «حقوقدانان آثار عقد نکاح را در دو بخش آثار مالی و آثار غیرمالی بررسی می‌کنند: مهریه یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد ازدواج بوده و تکلیفی است که به حکم قانون بر مرد محول می‌شود. مهریه باید دارای شرایطی باشد و هرگاه یکی از شرایط مذکور موجود نباشد، مهریه باطل خواهد بود، ولی اثری بر وضعیت نکاح نخواهد داشت.»

در ماده ۱۰۹۶ قانون مدنی آمده است: «مهریه باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، معلوم باشد.» این معلوم بودن مهریه به معلوم بودن مقدار، جنس و وصف است. همچنین در ماده ۱۰۸۰ آمده است: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.» در قانون مدنی مقداری برای مهرالمسمی معین نشده است و زوجین آزاد هستند هر مقداری که بخواهند مهر در نکاح قرار دهند. سیفی در این‌باره توضیح می‌دهد: «درصورت مجهول بودن، مالیت نداشتن یا در صورتی که مهر ملک دیگری باشد، طبق ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی در دو صورت اول و دوم مستحق مهرالمثل است و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود؛ مگر اینکه صاحب مال اجازه دهد. بر اساس نظرات و دیدگاه‌های مختلف فقها آمده است: «در اسلام اگرچه برای مهریه مقدار معین و مشخصی قرار داده نشده بلکه مقدار آن به توافق طرفین واگذار شده است و می‌تواند هر چیز حلالی که دارای ارزش است، مهریه قرار داد.»

گرفتن مهریه کامل نیاز به اثبات زوج‌ه دارد

قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ به تصویب مجلس رسید. عده‌ای معتقد بودند، این قانون امتیازات بیشتری برای زنان قائل شده است؛ از جمله ماده ۲۲ که در مورد وصول مهریه است، این دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اینکه تاحدودی برای آن سقف تعیین کرده است که اگر مهریه زن تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن با توجه به ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی است، بیان می‌کند: «اگر بیش از این باشد، وصول آن مشروط به ملاتت زوج یعنی «توانایی فردی» است، و زن باید آن را اثبات کند تا بتواند مهریه‌اش را به طور کامل به دست آورد. البته این گونه نیست که زن نتواند مهریه خود را بگیرد؛ بلکه طبق آنچه در این قانون آمده است، به دست آوردن مهریه کامل را برعهده اثبات زوج‌ه قرار داده است.»

ناتوانی مالی باعث تقسیت مهریه می‌شود

به گفته سیفی، در صورتی که مهریه به میزانی تعیین شود که نشان از ناتوانی زوج باشد و بعداً هم چنین تمکنی ایجاد نشود، مهریه مهرالمثل منصرف خواهد شد. تجربه نشان داده، فقط درصد بسیار اندکی از دادخواست‌هایی که موضوع آن مطالبه مهریه بوده و حکم به تأیید تمامی آن به صورت یکجا شده، قابلیت اجرا پیدا کرده بود و بقیه دادخواست‌ها با ارائه دادخواست اعسار «ناتوانی مالی یک فرد غیر تاجر» از تأیید کل و درخواست تقسیت مواجه شده بودند که عمدتاً نیز حکم اعسار زوج صادر و مهریه تقسیت شده بود. بنابراین در ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده که در سال ۱۳۹۱ تصویب شد، با تعیین سقف برای مهریه سعی کردند تا از افزایش مهریه و زندان رفتن مردان جلوگیری کنند.

مهریه تنها وسیله حفظ حقوق زنان در ازدواج

در طرح جدید مورد بحث، نحوه اجرای محکومیت مالی مهریه تغییر

کرده است. براین اساس ضمانت اجرایی پرداخت مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه کاهش می‌یابد که موافقان و مخالفانی دارد. او توضیح می‌دهد: «براساس قانون مدنی، تعیین مهریه به توافق طرفین بستگی دارد. از سوی دیگر با توجه به حقوقی نظیر حق طلاق، ضمانت، خروج از کشور و... که براساس قانون به مردان داده شده، مخالفان طرح جدید مجلس معتقد هستند که مهریه به عنوان تنها وسیله حفظ حقوق زنان در ازدواج است. لذا هرگونه تغییر در میزان و نحوه مطالبه آن با مجلس معتقد هستند که مهریه به عنوان تنها وسیله حفظ حقوق تعیین مهریه برای زن در ازدواج دائم و موقت امری مورد تأیید در اسلام است، اما از طرفی افزایش میزان مهریه مشکلاتی را برای مردان به وجود آورده و زمینه امکان دخالت قانونگذار و تغییر در احکام مهریه را فراهم کرده است. دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی درباره طرح اصلاح قانون جدید مهریه که در مجلس مطرح است، عنوان می‌کند: «این طرح، نحوه مطالبه و پرداخت مهریه را تغییر می‌دهد. یکی از مهم‌ترین تغییرات، کاهش سقف جنبه کیفری مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه است. یعنی اگر این طرح به قانون تبدیل شود، زوج فقط تا سقف ۱۴ سکه با مجازات حبس مواجه خواهد شد. اما در زمان وقوع عقد حق دریافت مهریه بیشتر را براساس توافق اولیه خواهد داشت و می‌تواند از طریق مدنی آن را مطالبه کند. نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی هدف اصلاح قانون مهریه و مودای آن را قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه را حبس‌زدایی بیان کرده است.»

چه زمانی حکم پابند الکترونیک اجرامی‌شود؟

ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ ناظر بر این بود که حق مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، زوج اگر تا ۱۱۰ سکه پرداخت نمی‌کرد زندانی می‌شد، مگر اینکه دادخواست اعسار ارائه داده باشد. سیفی با بیان اینکه در گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس عدد سکه از ۱۱۰ به چهارده سکه کاهش داده شده است، می‌گوید: «اگر اعسار «توانایی مالی یک فرد غیر تاجر» کسی با ۱۴ سکه پذیرفته شود، حبس منظر سامانه‌ها و پابندهای الکترونیکی خواهد بود. مخالفان قانون جدید مهریه معتقد هستند این قانون توازن میان حقوق زن و مرد را فراهم نمی‌کند و می‌تواند منجر به کاهش ازدواج‌ها و از بین رفتن حقوق زنان شود. با این حال، موافقان طرح نیز معتقدند اگر این طرح تبدیل به قانون شود زندانیان مهریه رها شده و حبس‌زدایی متناسب با سیاست کیفری را در بر دارد و کاهش جمعیت زندانی تسهیل می‌شود.»

بنا به اظهارات نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، اصلاح دیگر قوانین ازدواج همچون حق طلاق، حق خروج از کشور و حق ضمانت فرزندان در این طرح مطرح است، سیفی می‌گوید: «در این اصلاحیه آمده، اگر زن و مردی سازگاری با هم ندارند؛ دادگاه می‌تواند با تقاضای زوج‌ه، طلاق را اجرا کند. البته به نظر می‌رسد درحال حاضر مهریه کارکرد واقعی خود را مابین زوجین و خانواده از دست داده است، تجربه نشان داده در اکثر رقبیه به اتفاق پرونده‌های طلاق زوج‌ه با اعمال فشار از طریق مهریه برای مرد، یا از طریق بذل مهریه موفق به اخذ طلاق می‌شود. باید بگویم اصلاحیه جدید در خصوص جرم انگاری انتقال اموال برای جلوگیری از توقیف، می‌تواند مثبت تلقی شود؛ زیرا در اصلاحیه جدید گفته شده پیش از صدور حکم نیز انتقال اموال برای جلوگیری از توقیف، جرم محسوب می‌شود. البته نیاز است، جزئیات بیشتری در این مورد بررسی شود.»

تقویت شرایط با عقد برای زنان

یکی دیگر از موارد بحث‌برانگیز طرح جدید، دریافت حق ثبت برای مهریه‌هایی که بالای مهرالسنه است که از یک دهم تا ۲۰ درصد در مهریه‌های بیش از ۲۰۰ سکه دریافت خواهد شد و افراد باید پولی بابت ثبت مهریه خود به صندوق دولت پرداخت کنند. دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اینکه این امر می‌تواند پیامدها و آثار مثبتی را به دنبال نداشته باشد، توضیح می‌دهد: «این کار می‌تواند منجر به کاهش آمار ازدواج دائم و شاید منتهی به توجیه از صورت‌های دیگر ازدواج شود. با این حال کاهش مهریه منطقی شدن تعیین میزان مهریه در امر ازدواج در راستای حبس‌زدایی می‌تواند مفید واقع شود، اما باید حقوق زوج در صورت درخواست طلاق و تناسب با شرایط جدید منطقی و عادلانه‌تر در نظر گرفته شود و شروط با عقد در راستای تعادل حقوق زوجین تقویت شود. پیشنهاد محدود شدن جنبه کیفری مهریه به ۱۴ سکه اگر چه می‌تواند منجر به کاهش تعداد زندانیان مهریه شود، اما همچنان حقوق زوج‌ه را می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد که باید تمهیداتی را ببندیشند.»

ویژه‌نامه مهریه



الهه کولایی:

تا هنگامی که

این اصلاح در

نظام قانونی رخ

ندهد، یعنی یک

رابطه مشارکتی

و برابر میان زن و

مرد که به عنوان

همسر با هم

زندگی می‌کنند،

جنبه عینی و

وجود خارجی

پیدا نمی‌شود.

سطح شعار

و تکریم‌های

شفاهی به

سطح عمل و

واقعیت‌های

زندگی انتقال

پیدا نکند، بجران

نظام خانواده

در کشور حل

نخواهد شد



سیفی:

به نظر می‌رسد

درحال حاضر

مهریه کارکرد

واقعی خود را

مابین زوجین و

خانواده از دست

داده است.

تجربه نشان

داده در اکثر

قرب به اتفاق

پرونده‌های

طلاق زوج‌ه با

اعمال فشار از

طریق مهریه

برای مرد، با

از طریق بذل

مهریه موفق

به اخذ طلاق

می‌شود



سیمین کاظمی:

تغییر قانون مهریه و محدود کردن حق زنان و متزلزل کردن جایگاه حقوقی آنها، راهکار مشکلات موجود نیست و اگر چه تا حدودی از مشکلات مردان می‌کاهد، اما به طور قطع مشکلات جدیدی را به دنبال خواهد آورد. قابل پیش بینی است که این طرح کاهش تمایل زنان به ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش خشونت علیه زنان را در پی داشته باشد.

تأکید جامعه‌شناسان بر اهمیت مهریه برای زنانی که استقلال مالی ندارند

پیشکشی دلخواه یا چالشی بزرگ

گروه اجتماعی / مهریه، به‌عنوان یکی از حقوق مالی زن در نظام حقوقی خانواده ایران، جایگاه برجسته‌ای دارد؛ نهاده‌ی که علاوه بر تثبیت جنبه‌ای از حقوق اقتصادی زنان، از دیرباز نقشی کلیدی در تأمین نوعی امنیت حقوقی برای آنان ایفا کرده است. این نهاد، ریشه در سنت‌های دینی و فرهنگی دارد، اما به‌مرور زمان، هم در کارکرد و هم در برداشت اجتماعی، دچار تحولی شده است که اکنون آن را به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل خانوادگی و اجتماعی در جامعه ایران بدل کرده است.

دکتر طاهره رستمی: مهریه هدیه‌ای از سر محبت و احترام است

دکتر طاهره رستمی، جامعه‌شناس و عضو پژوهشکده علوم بهداشتی، با نگاهی جامعه‌شناختی به مسأله مهریه، نگاه می‌کند و معتقد است نباید صرفاً در قالب یک «حق مالی» آن را تحلیل کرد. مسأله مهریه را به مثابه نمادی از «مناسبات قدرت در خانواده» باید فهمید. به گفته او «تحولات حقوقی و فرهنگی چند دهه اخیر، بویژه در بستر نابرابری‌های موجود میان زن و مرد در قانون و عرف، باعث شده مهریه از حالت سنتی و عاطفی خود فاصله بگیرد و به ابزاری برای حفظ بخشی از «امنیت و استقلال اقتصادی» زنان تبدیل شود. در شرایطی که بسیاری از حقوق اساسی مانند حق طلاق، حضانت فرزندان یا حق تعیین محل زندگی در اختیار مردان است، مهریه گاه به تنها پشتوانه و ابزار چانه‌زنی زنان در برابر این نابرابری‌ها تبدیل می‌شود.

دکتر رستمی با یادآوری آموزه‌های دینی و سیره عملی بزرگان دین، تأکید می‌کند: «فلسفه اصلی مهریه «هدیه‌ای از سر محبت و احترام» است؛ نشانه‌ای از پابندی مرد به مسئولیت‌ها و تعهداتش در زندگی مشترک.» اما او هشدار می‌دهد که امروزه شاهد نوعی وارونگی در این معنا هستیم.

متأسفانه مهریه، بویژه با افزایش‌های افراطی و غیرواقعی، در برخی موارد به عاملی برای فشارهای اقتصادی، بروز تنش در خانواده و حتی ابزار سوءاستفاده در مناسبات زوجین تبدیل شده است. «او این وضعیت را ناشی از یک چرخه معیوب می‌داند؛ چرخه‌ای که در آن فقدان توازن حقوقی و اجتماعی میان زن و مرد، زنان را ناگزیر می‌کند که با بالا بردن رقم مهریه، بخشی از احساس ناامنی و بی‌پناهی خود را جبران کنند. دکتر رستمی با تأکید بر ضرورت بازنگری همزمان و هماهنگ در سه حوزه قوانین، فرهنگ عمومی و آموزش‌های پیش از ازدواج می‌گوید: «مسأله

مهریه، پیچیده‌تر از آن است که فقط با کاهش عددی مهریه یا کم کردن تعداد سکه‌ها حل شود. چنین رویکردی نه تنها مشکل اصلی را برطرف نمی‌کند، بلکه ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای برای زنان و خانواده‌ها داشته باشد. واقعیت این است که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در بخش‌هایی نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی نابرابر زنان به فرصت‌های اقتصادی و حمایت‌های قانونی محدود را تجربه می‌کند. در این شرایط، مهریه به‌عنوان یک ضمانت حداقلی برای امنیت اقتصادی زنان، جایگاهی بسیار مهم و حتی حیاتی یافته است. بنابراین نمی‌توان به سادگی از آن گذشت یا آن را کم‌اهمیت شمرد.» او در ادامه می‌گوید: «مهریه باید به جایگاه اصلی و تاریخی‌اش برگردد؛ یعنی به‌عنوان هدیه‌ای محبت‌آمیز، نماد تعهد و احترام متقابل بین زن و مرد و در چهارچوب رابطه‌ای برابر و محترمانه باشد. این رویکرد می‌تواند به تقویت بنیان خانواده و کاهش تنش‌های ناشی از سوءتفاهم‌ها کمک کند. اما متأسفانه در سال‌های اخیر، افزایش چشمگیر و غیرواقعی مهریه‌ها، این نهاد را از جایگاه اصیل خود دور کرده و تبدیل به منبع فشارهای اقتصادی سنگین بر خانواده‌ها و بویژه مردان شده است. این موضوع گاهی باعث ایجاد فضای تنش و اختلافات خانوادگی و در مواردی سوءاستفاده‌های حقوقی شده که به هیچ عنوان به نفع زنان یا خانواده‌ها نیست.» دکتر رستمی تأکید می‌کند: «برای

حل این مسأله، لازم است که اصلاحات حقوقی با آموزش‌های فرهنگی و برنامه‌های گسترده آموزشی پیش از ازدواج همراه شود تا زوج‌ها با آگاهی بیشتر و نگرش صحیح‌تری به مهریه و نقش آن در زندگی زناشویی نگاه کنند. تنها در این صورت است که مهریه می‌تواند به عنوان نمادی از محبت، احترام و امنیت اقتصادی در خانواده‌ها جایگاه مناسبی داشته باشد و در عین حال از فشارها و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود.»

دکتر رستمی درباره طرح پیشنهادی کاهش مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه می‌گوید: «این طرح که با هدف کاهش مشکلاتی مانند زندانی شدن مردان و فشارهای مالی بر زوج‌ها مطرح شده است، نیت مثبتی دارد و می‌تواند در کاهش برخی سوءاستفاده‌ها مؤثر باشد، اما نباید فراموش کنیم که مهریه برای بسیاری از زنان، بویژه کسانی که دسترسی کافی به حمایت‌های قانونی، شغلی و اجتماعی ندارند، تنها پشتوانه حداقلی برای امنیت مالی است.» او با تأکید بر لزوم رویکرد حمایتی جامع به‌جای تصمیمات تقلیل‌گرایانه توضیح می‌دهد: «کاهش مهریه بدون ایجاد جایگزین‌های حمایتی مناسب، می‌تواند زنان را آسیب‌پذیرتر کرده

و وضعیت نابرابر آنها را تشدید کند. بنابراین، این موضوع نیازمند رویکردی جامع و همه‌جانبه است که در آن اصلاحات حقوقی، فرهنگی و اقتصادی به‌صورت هماهنگ پیش رود. این جامعه‌شناس می‌گوید: «وقتی زنی در بستر خانواده از حمایت‌های اجتماعی محروم است -از جمله درآمد پایدار، فرصت‌های برابر شغلی، دسترسی به بیمه‌های حمایتی یا حتی امنیت حقوقی در زمان طلاق- مهریه برای او به‌منزله تنها ابزار بازدارنده از حفاظتی باقی می‌ماند. در چنین شرایطی، اگر صرفاً عدد مهریه را کاهش بدهیم ولی هیچ جایگزینی به‌جای آن نگذاریم، نه تنها بار مسئولیت و آسیب‌ها بر دوش زنان بیشتر خواهد شد، بلکه در بلندمدت شکاف جنسیتی در ساختار خانواده و جامعه تعمیق خواهد یافت.» او با بیان اینکه نمی‌توانیم تنها با محدود کردن مهریه، به‌نوعی عدالت برسیم، توضیح می‌دهد: «در حالی که همچنان بخش بزرگی از زنان جامعه به منابع قدرت، فرصت و امنیت دسترسی ندارند مهریه، در فقدان این حمایت‌ها، نقشی فراتر از پول نقد ایفا می‌کند؛ نمادی از امکان چانه‌زنی، ابزار تأمین آینده و سپری برای مواجهه با تبعات اقتصادی طلاق است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، به جای تکیه بر نهاد سنتی مهریه، شبکه‌ای از حمایت‌های گسترده اجتماعی مانند دسترسی به وکیل رایگان، مستمری پس از طلاق، نظام‌های قضایی عادلانه و بیمه‌های حمایتی برای زنان در نظر گرفته شده است. در صورتی که چنین سازوکارهایی در کشور ما نیز فراهم شود، آن‌گاه می‌توان از نقش فعلی مهریه کاست، اما بدون این پیش شرط‌ها، کاهش عددی مهریه بدون طراحی سیاست‌های مکمل می‌تواند به ضرر زنان تمام شود.»

ضرورت اصلاحات هم‌راستا و فرهنگی

دکتر طاهره رستمی با تأکید بر اهمیت مهریه در ساختار حقوقی خانواده و نقش آن در حفظ استقلال نسبی زنان می‌گوید: «مهریه نه‌فقط یک تعهد مالی است، بلکه کارکردی نمادین و حمایتی در روابط قدرت میان زن و مرد دارد. به‌عنوان یک ضمانت قانونی،

مهریه می‌تواند زن را در برابر تبعات اقتصادی و روانی طلاق محافظت کند و نوعی سپر حمایتی برای زنانی باشد که در مواجهه با ناپایداری‌های زندگی زناشویی، راهی جز خروج از زندگی مشترک ندارند. همین نقش است که به زنان امکان می‌دهد تا با عزت نفس، استقلال نسبی و توان چانه‌زنی، در فضای خانواده و جامعه حاضر شوند و از وضعیت صرفاً وابسته خارج شوند.» او با اشاره به تحولات چند دهه اخیر در جایگاه اجتماعی زنان می‌گوید: «افزایش سطح تحصیلات، ارتقای آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و مشارکت فعال‌تر آنها در بازار کار، موجب شده تا کارکرد مهریه در جامعه امروز با پرسش‌های تازه‌ای مواجه شود. مهریه دیگر تنها ابزار تضمین امنیت مالی برای زنانی نیست که در گذشته، غالباً از درآمد مستقل و حمایت‌های قانونی بی‌بهره بوده‌اند؛ بلکه امروز، بخشی از زنان تحصیل‌کرده خواهان نگاهی مدرن‌تر و متعادل‌تر به روابط زناشویی هستند. با این حال، چون هنوز ساختار حمایتی جایگزین آن در جامعه ما به‌خوبی شکل نگرفته، حذف یا کاهش افراطی مهریه می‌تواند به تضعیف موقعیت زنان در خانواده بینجامد.» رستمی تأکید می‌کند که این



تغییرات، ضرورت یک بازنگری همه‌جانبه در سیاستگذاری‌های خانواده را نشان می‌دهد، «اگر واقعاً هدف‌مان کاهش وابستگی زنان به مهریه است، باید به‌طور موازی، سایر سازوکارهای حمایتی مانند گسترش بیمه‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای زنان، ارائه خدمات حقوقی رایگان، حمایت از مادران شاغل و حتی نهادهای‌سازی الگوهای تربیتی جدید را نیز انجام شود، نه تنها به بهبود وضعیت خانواده منجر نمی‌شود، در خانواده، حذف کلیشه‌های جنسیتی و آموزش حقوق برابر به نسل جوان نیز از ارکان این مسیر است.»

ضرورت همسویی اصلاحات حقوقی با تغییرات فرهنگی و ساختاری

به گفته این پژوهشگر حوزه خانواده، «تجربه‌های تاریخی و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که هرگونه تغییر در نظام مهریه، اگر بدون پشتوانه‌های فرهنگی، آموزشی و ساختاری انجام شود، نه تنها به بهبود وضعیت خانواده منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است به بازتولید نابرابری‌ها و افزایش آسیب‌های اجتماعی بینجامد.»

او توضیح می‌دهد: «کاهش یا اصلاح مهریه در خلأ سیاست‌های حمایتی و فرهنگی، عملاً می‌تواند موجب تضعیف موقعیت زنان و از بین رفتن یکی از معدود ابزارهای قانونی آنها برای حفظ امنیت اقتصادی و روانی در زندگی زناشویی شود. بنابراین، هر تصمیمی در این حوزه باید بخشی از یک بسته سیاستی کل‌نگر و آینده‌نگر باشد.» دکتر رستمی با تأکید بر ضرورت توازن میان حفظ حقوق زنان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از مهریه، می‌گوید: «برای رسیدن به تعادل مطلوب، کافی نیست صرفاً به اصلاح ماده‌ای از قانون بسنده کنیم؛ باید هم‌زمان با تغییرات حقوقی، بسترهای فرهنگی و آموزشی را نیز دگرگون کنیم. مهریه در بستر تاریخی خود، همواره حامل مفاهیم ارزشی مانند احترام، تعهد و حمایت بوده است. اگر این نهاد حقوقی از محتوای فرهنگی و اخلاقی خود تهی شود یا صرفاً به ابزار فشار و معامله تبدیل شود، هم خانواده و هم جامعه از آن آسیب خواهند دید.» او همچنین تأکید می‌کند که تحقق عدالت جنسیتی و تقویت ساختار خانواده، نیازمند هم‌افزایی واقعی میان نهادهای مختلف است: «فقط با همکاری و هماهنگی میان نهادهای قانونگذار، دستگاه قضایی، نهادهای آموزشی، خانواده‌ها و رسانه‌های فرهنگی است که می‌توان به مدلی از خانواده دست یافت که در آن امنیت اقتصادی و منزلت اجتماعی زنان تضمین شده باشد. در چنین چهارچوبی، مهریه نه به‌عنوان ابزار کشمکش بلکه به‌مثابه بخشی از نظم عادلانه خانوادگی، کارکردی مثبت و متعادل خواهد داشت.»

این جامعه‌شناس با مقایسه وضعیت کنونی با دهه‌های گذشته، می‌گوید: «در گذشته، مهریه اغلب به‌صورت نمادین تعیین می‌شد و بیشتر کارکردی فرهنگی و اخلاقی داشت تا مالی. اما در دهه‌های اخیر، با کاهش امنیت اقتصادی، نابرابری‌های جنسیتی از زنان، مهریه به یکی از معدود ابزارهای قانونی برای تأمین حداقل حقوق زنان در برابر طلاق، خشونت و فقر تبدیل شده است.» او با بیان اینکه در برخی کشورها که نظام مهریه‌ای وجود ندارد، ساختارهای حمایتی قوی‌تری برای زنان فراهم شده است، در حالی که در ایران، مهریه است که نقشی حفاظتی برای زنان ایفا می‌کند.

محمد زینالی:

اگر طلاق رخ می‌دهد و چالش‌هایی در خصوص حقوق زنان و مناقشه مهریه وجود دارد، ریشه آن را باید در جای دیگری جست. اما مجلس محترم با طرح کاهش تضمین، مهریه را همچنان به پاشنه آشیل مسائل خانواده و مناقشه طلاق تبدیل می‌کند. مسأله اصلی ضرورت بازنگری تفاهمات ضروری ازدواج میان زن و مرد یا در تنظیم آرایش جدید خانواده است.

سیمین کاظمی: اهمیت مهریه زمان طلاق مشخص می‌شود

باشد، نه ابزاری که تنظیماتش هزار گاه به نفع مردان تغییر می‌کند.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «هر کس کمترین آشنایی با مسائل اجتماعی داشته باشد، می‌تواند درک کند که تغییر قانون مهریه و محدود کردن حق زنان و منزلزل کردن جایگاه حقوقی آنها، راهکار مشکلات موجود نیست و اگر چه تا حدودی از مشکلات مردان می‌کاهد، اما به طور قطع مشکلات جدیدی را به دنبال خواهد آورد. قابل پیش‌بینی است که این طرح کاهش تمایل زنان به ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش زندگی مشترک به شیوه‌ای غیر از ازدواج و افزایش خشونت علیه زنان را در پی داشته باشد. علاوه بر این، زنان طلاق‌گرفته را در معرض قفرو روی آوردن به راه‌های غیرقانونی برای دستیابی به پول قرار خواهد داد. چنین تبعاتی چندان غیرمحتمل نیست، چرا که سقف ۱۴ سکه‌ای برای مهریه که در حال حاضر رقم آن کمتر از یک میلیارد تومان است، نمی‌تواند یک زندگی نرمال و شرافتمندانه را برای زنان تضمین کند.»

این جامعه‌شناس متذکر می‌شود: «باید توجه داشت قانونی که از تأمین عادلانه حقوق همه ذی‌نفعان عاجز باشد، محکوم به شکست است و اعضای جامعه در وهله اول به دنبال راه‌حل فردی و در نهایت به دنبال راه‌حل جمعی برای مقابله با آن خواهند بود. اگر وضعیت فعلی به تعارض و کشمکش بر سر مهریه و به زندان رفتن تعدادی از مردان منجر شده، لازم است راه‌حل واقع‌بینانه و بدون کمترین آسیب برای آن اندیشیده شود. این راه‌حل نه محدود کردن حق زنان بلکه تأمین مساوات بین زنان و مردان چه در جامعه و چه در خانواده است که نه زنان از حقوق و شأن انسانی خود محروم شوند و نه مردان مجبور به پذیرفتن تعهدات مالی شوند که قادر به برآورده کردن آن نیستند. مستقل شدن اقتصادی زنان و حقوق مساوی دو جنس تنها راهکار قطعی بی‌نیازی زنان از مهریه و رفع تعارضات بر سر این موضوع و حل مشکل زندانیان مهریه است.»

در بهترین حالت از ۱۸ درصد فراتر نرفته و قاطبه زنان ایرانی خانه‌دار هستند. با وجود آنکه تحصیلات عالی در میان زنان به شکل چشمگیری افزایش یافته است، اما این تغییر مهم تأثیری بر افزایش سهم آنها از حوزه اشتغال نداشته است. چنین وضعیتی حاکی از آن است که اکثریت زنان ایرانی استقلال اقتصادی ندارند و برای گذران زندگی محتاج مردان هستند.»

با این وصف اهمیت مهریه هنگام طلاق که زن، شوهر را به عنوان حامی مالی از دست می‌دهد، مشخص می‌شود.

به اعتقاد کاظمی، «زنی که در آستانه طلاق قرار گرفته با وجود سال‌ها کار شبانه‌روزی در خانه و فرسایش جسم و روح در نقطه صفر قرار می‌گیرد و با بحران بی‌پولی و بی‌سرباشی مواجه می‌شود. مهریه که بر اساس توافق هنگام ازدواج برای چنین روزی پیش‌بینی شده می‌تواند به عنوان تکیه‌گاهی باشد که زن را از چنین بحرانی برهاند و او را قادر کند تا با بخشی از تبعیض‌های جنسیتی که در جامعه، قانون و خانواده علیه‌اش وجود دارد، مقابله کند. با وجود

چنین اهمیتی که مهریه دارد، برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به فکر کاهش میزان مهریه افتاده‌اند، چرا که در سال‌های اخیر با تشدید بحران اقتصادی و افزایش بهای سکه طلا، برخی مردان «نمی‌توانند» و برخی هم «نمی‌خواهند» تعهدی را که با علم و اطلاع و براساس توافق پذیرفته‌اند، ادا کنند و تعدادی از آنها به همین دلیل زندانی شده‌اند. نمایندگان دودست‌ترین و البته مشکل‌سازترین راهکار را برگزیده‌اند که حمایت قانونی برای دریافت مهریه را از زنان کمترکنند و مردان را از تبعات نپرداختن مهریه معاف کنند. آنها این طرح را در حالی مطرح کرده‌اند که وضعیت زنان و موقعیت فرودست آنها در خانواده و جامعه روشن است. در واقع چنین استفاده‌ای از قانون که آشکارا میان اعضای جامعه تبعیض قائل می‌شود، نه‌تنها علیه بخشی از جامعه تلقی می‌شود بلکه اعتبار قانون را بیش از پیش مخدوش می‌کند. قانون باید ملجأ و پناهگاه همه اعضای جامعه

قوانین در صورت بی‌طرف بودن مورد قبول جامعه قرار می‌گیرند و وجهت اجتماعی پیدا می‌کنند. سیمین کاظمی، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی با بیان اینکه قوانین باید عادلانه و بی‌طرفانه باشد، درباره طرح جدید مهریه به «ایران» می‌گوید: «قوانین در صورت بی‌طرف بودن مورد قبول جامعه قرار می‌گیرند و وجهت اجتماعی پیدا می‌کنند. قانونی که سوگیری داشته باشد، از نظر جامعه مورد احترام نیست و احتمال شکستن و فرارفتن از آن بیشتر است. چنین قانونی نمی‌تواند ملجأ و پناهگاه عموم مردم باشد، چون برخی با اتکا به آن به مزایایی دست می‌یابند و دیگران به ناگزیر از آن محروم می‌مانند. فلسفه وجود قانون ایجاد نظم اجتماعی و رفع تعارضات و کشمکش‌هاست.»

به گفته او برخی قوانین مربوط به خانواده به شکلی هستند که هر چه می‌گذرد و با تغییرات اجتماعی، عدم تجانس آنها با روح زمانه بیشتر مشخص می‌شود. قوانین خانواده به این شکل تنظیم شده که مرد به عنوان صاحب حق و ولی خانواده تعریف شده است و با آنکه حق کنترل بر زن و فرزند به او اعطا شده است، مسئولیت تأمین معاش خانواده هم بر عهده اوست، یعنی او با اینکه می‌تواند در موارد بسیاری اراده‌اش را به زن تحمیل کند، عهده‌دار تأمین مسکن، پوشاک و خوراک زن است و باید به او نفقه بپردازد. زن مکلف به تمکین و اطاعت است و فقط در این صورت می‌تواند از حمایت مالی مرد برخوردار شود. مهریه نیز حقی است که در قوانین خانواده به زنان داده شده که هنگام ازدواج می‌توانند به طور توافقی میزان آن را تعیین کنند. این حق عموماً و عرفاً در طول زندگی مشترک مطالبه نمی‌شود و عمدتاً در صورت جدایی است که زنان می‌توانند از این حق استفاده کنند.

اکثریت زنان ایرانی استقلال اقتصادی ندارند

این جامعه‌شناس در ادامه توضیح می‌دهد: «در قانون خانواده در ایران اشتغال و استقلال اقتصادی زن فاقد موضوعیت به نظر می‌رسد و کوبی زنان سهم نایجری از مشارکت اقتصادی برعهده دارند. توجیه آن هم این است که چون زن سرپرست خانواده نیست و خود تحت تکفل پدر یا شوهر است نیازی به کار کردن ندارد. به این ترتیب نرخ مشارکت اقتصادی زنان در دهه‌های اخیر

«طرح جدید مجلس در کاهش تضمین مهریه در واقع پاسخی است به چالش‌های موجود در زمینه مشکلاتی که طی طلاق و پرداخت مهریه به وجود آمده است.»

این را محمد زینالی اناری، جامعه‌شناس و تحلیلگر اجتماعی به «ایران» می‌گوید: «به نظر نگارنده این طرح، اصل مسأله چیز دیگری است و در اینجا ما با انحراف مسأله مواجه شده‌ایم. در واقع اگر طلاق رخ می‌دهد و چالش‌هایی در خصوص حقوق زنان و مناقشه مهریه وجود دارد، ریشه آن را باید در جای دیگری جست. اما مجلس محترم با طرح کاهش تضمین، مهریه را همچنان به پاشنه آشیل مسائل خانواده و مناقشه طلاق تبدیل می‌کند. مسأله اصلی ضرورت بازنگری تفاهمات ضروری ازدواج میان زن و مرد یا در تنظیم آرایش جدید خانواده است و قوانین موجود به همراه برخی چالش‌های اخلاقی در مورد زنان این مسأله را به معادله‌ای لاینحل تبدیل کرده و با برجسته کردن مسأله مهریه میدان بازی را عوض می‌کند. حال آن‌که باید راهبرد دیگر- عرصه دیگری برای حل مناقشه طلاق جست و به تنظیم آرایش جدید خانواده و حل مسائلی نظیر برداشتن سقف شیشه‌ای در خانه و جامعه از پیشرفت زنان، حضور سالم و خودمرجع زنان در جامعه و فضای عمومی و مسائلی نظیر فراغت و ورزش زنان اندیشید و از طریق گشایش مجهولات مسأله را حل کرد. اما ذهن متولیان دولت با طرح فعلی مجلس به میدان دیگری رفته و ممکن است تا سال‌ها در بازی کشمکش با اصلاحات خام قوانین درگیر شوند. در این مقوله نیز جدل با قانون کاهش مهریه، افتادن در ورطه‌ای بی‌سرانجام و بی‌نتیجه‌است.»

به گفته او، «مسأله اصلی این است که آرایش خانواده و قواعد حضور زنان در خانه و جامعه طی صد سال اخیر بارها تغییر یافته است. آموزش زنان، حق رأی زنان، حضور سیاسی آنان در متن حوادث انقلاب و جنگ و بالاخره راهیابی کثیری از زنان به دانشگاه و بازار کار در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آرایش جدیدی از حضور زنان در جامعه و خانواده ایجاد کرده است. اینک حضور زنان را به جای اندرونی، در جامعه شاهد هستیم ولی درک ما طی این چند سال با پرتکلف و مصرفی شدن زندگی زناشویی و توانمند فقیربودن خانوارها و افزایش تعداد سکه‌های مهریه، در منطق مهریه- تمکین باقی مانده است. خانواده امروز نیازمند این است که حقوق خانواده خود را با قاعده جدید زندگی زناشویی تطبیق دهد. به طور واضح، باید این جامعه‌شناس معتقد است: «الزام ساختاری جامعه برای تشکیل و بقای زندگی زناشویی است نه طرحی رمانتیک، روشنفکرانه یا اصلاح‌طلبانه. منطق عملی زندگی که از سوی ساختار اقتصادی بر زوجین تحمیل می‌شود، شرکات است و نه تضاحب؛ تضاحب جان زن توسط مرد و تضمین آن با مالی که به هیچ وجه با میزان درآمد مردان

دکتر نیره توکلی: حق و حقوق هر دو نفر مشخص نیست

دکتر نیره توکلی جامعه‌شناس و پژوهشگر زنان معتقد است سیاست‌گذاری‌های غلط و قوانین ناقص و اصلاح نشده در مورد خانواده و ازدواج باعث بروز نارسایی‌هایی در جامعه می‌شود. او می‌گوید: «نگرانی از به زندان افتادن در ازای مهریه نتیجه را به نوعی تبدیل به معامله می‌کند، چون در این معامله حق و حقوق هر دو نفر از اول مشخص نیست بنابراین باید سراین معامله چانه بزنند. یعنی مثلاً خانواده مرد سعی می‌کنند که مهریه بیشتری ندهند و خانواده زن سعی می‌کنند مهریه بیشتری بگیرند.» او با بیان اینکه کمبودها و محرومیت‌ها، حق و حقوقی را از دو طرف زایل می‌کند، می‌گوید: «این موارد باعث می‌شود که از یک طرف مهریه به صورت چک بی‌محلی باشد که بعد تبدیل به مشکل می‌شود، بنابراین افرادی برای آن به زندان می‌افتند و بسیاری هم زیر بار تعهداتی می‌روند. مثلاً مرد زیر بار تعهداتی می‌رود که نمی‌تواند آنها را انجام بدهد. از آن طرف هم زنان به هنگام عقد ازدواج در شرایطی قرار می‌گیرند که بسیاری از حق و حقوق خودشان از جمله حق تحصیل، حق طلاق، حق اشتغال،

حق مسکن و خیلی از حقوق دیگرشان واگذار می‌شود. بنابراین زنان باید در شرایط با عقد، حق و حقوق خودشان را قید و در مورد آن چانه زنی کنند، ممکن است مطرح شدن این موارد در روزهای اول اسباب کدورت شود، اما مطرح نشدن این مسائل باعث می‌شود تا تمام حق و حقوق‌شان را از دست

بدهند. مثلاً زن حق دارد که اشتغال و تحصیل داشته باشد اگر در آینده مشکلی سرحضانت و سرپرستی بچه‌ها و حق و حقوقی که دارد به وجود بیاید و او نتواند زندگی‌اش را تأمین کند، کمبودها هم شروع می‌شود.» این پژوهشگر با بیان اینکه ازدواج باید تبدیل به عقد برابری شود، می‌گوید: «برای اینکه ازدواج به عقدی که از اول حق و حقوقی از یک زن یا مرد گرفته شده، تبدیل نشود تنها راهکاری که وجود دارد این است که باید قرارداد مربوط به ازدواج معامله و عقد برابری باشد. اولاً بر اساس تناسب باشد یعنی دو طرف مثلاً تحصیل کرده یا هر دو طرف شاغل باشند و یا اگر حقی مثل حق اشتغال از زن گرفته می‌شود باید حقوق دیگری به او داده شود بنابراین نباید از ابتدا مرد به عنوان رئیس خانواده تعیین شود. در حال حاضر در قوانین ما رئیس خانواده و خریدار تمام خدماتی که در خانواده ارائه می‌شود مرد است و زنان مجبور به تمکین هستند و تمکین یک طرفه است. اما ازدواج باید یک معامله و قرارداد باشد که هیچ کدام از دو طرف حق و حقوق‌شان را از دست ندهند و هر فردی بنا به توانایی‌هایش و انتظاری که از او می‌رود براساس اینکه چه کاری می‌تواند انجام دهد و چه همکاری‌هایی در زمینه اقتصاد خانواده می‌تواند انجام دهد و در برابر آن چه تضمین‌ها و امنیت‌هایی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و منزلتی دریافت می‌کند، در این قرارداد سهیم می‌شود.»

محمد زینالی: دود بازی متمولین نو کیسه در چشم فرودست‌ها می‌رود

در تصمیم‌گیری، تقسیم کار خانگی، پیشرفت شغلی و سرمایه‌گذاری مشترک خانوادگی است. آنها به تبع فردیت اجتماعی ناشی از نقش‌های اقتصادی و اجتماعی، درون خانواده نیز دنبال تضاحب جایگاه واقعی خود هستند و اینجااست که قواعد جامعه با قوانین محدودکننده زنان منطبق نشده و موجب ایجاد تنش می‌شود. با این حال کار دولت و هر آن کسی که باید به دنبال مطالبات واقعی حل تعارضات خانواده‌ها باشد، این است که شرایط حضور اجتماعی سازنده، تفاهم و احترام میان همسران را فراهم کند و این تأمین نمی‌شود مگر با بازنگری در حقوق تنظیم‌گر روابط و آرایش جدید خانواده. خانواده‌های امروزی با آرایش جدید، با قراردادهای بازنگری نشده به چالش برمی‌خورند و در نهایت اختلافات حل نشده و منجر به بروز کشمکش‌های زناشویی و افزایش ناراضیاتی زوجین خواهد شد.»

مشکلات دوچندان می‌شوند

زینالی معتقد است: «این اقدام مشکلات را دوچندان خواهد کرد، جای تأمل جدی در اینجا این است که طی این انقلاب آرام در تغییر نقش‌های اجتماعی زنان، طی سده گذشته عمر قانون و نگهداری خانواده ایرانی با سرگرمی گذشته است. چنانچه داد که مجلس و دغدغه‌های آن بازنمود روند تغییرات جامعه نیست. رخ تغییرات هم با عرفی شدن تفاهمات این خواهد داد اما نتیجه اقدامات نسنجیده، آواری است که از خانواده ایرانی به جای می‌گذارد. در ۱۰ سال اخیر که سند حقوق شهروندی در حاشیه قرار گرفته و کشمکش‌های بی‌جا وارد عرصه عمومی و مسائل جامعه شده است، مسائل خانواده و جوانان حادث‌ر و شدیدتر شده‌اند، اما هنوز هم ما به دنبال راه‌حل‌های بی‌مورد هستیم و باید به طرفین دعوا هشدار داد که زمان ترمیم خانواده و جمعیت ایرانی از آنچه باید، به تأخیر افتاده و نیاز به دقت در مسأله و حل منطقی آن ضروری است و باید به جای اصرار به راه‌حل‌های مبتنی بر احساس و گمان، به روش تجربی و منطق عقلایی در حل مسائل جامعه وارد شویم.»

این جامعه‌شناس در پایان صحبت‌های خود نتیجه‌گیری می‌کند: «راه‌حل‌های احساسی، واکنش‌های احساسی را دربرداشته و منجر به مناقشه‌های روزافزون در جامعه می‌شود. مشکلات خانواده و بحران‌های جوانان دیگر جایی برای ما نگذاشته است که به دنبال راه‌های فرعی رفته و جامعه و خانواده ایرانی را با مسائل خود تنها بگذاریم. تقنین در حل مسأله، محل شوخی، سرگرمی و جدل‌های لجوجانه نیست و جای آن است که راهبردها در جای روشنی تعریف شده و اسیر بازی پتلاچ نویسگان و حساب سرانگشتی کاهش مهریه نشویم. سرزنش خانواده ایرانی جای آزمون و خطا برای مجلس نگذاشته و بهتر است در منطق نمایندگی و استفاده از عقلانیت حقوقی فردیت و دقت به عمل آید.»

جامعه کنونی سنجیت ندارد. زن در ازای مهریه، آزادی، شغل و حق تصمیم‌گیری بر سرنوشت خود و روابط زناشویی را وامی‌گذارد و مرد امروزی، تضمینی بسیار بیش از دارایی و توان خود می‌دهد که توان جبران آن را ندارد.»

زینالی در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: «نمایشی شدن و بازی شدن مهریه که امروز رخ داده و مجلس محترم در صدد ایستادگی در برابر آن است، ناشی از تبدیل شدن هدیه زناشویی به بازی جدیدی است که از طریق طبقات مرفه و متمول بیشتر به دودوستد خویشاوندی تبدیل شده و ماهیت عاطفی آن را تحت تأثیر منطق نوکیسه‌گی قرار داده و چنین چالش‌هایی به وجود آورده است. حقوقدانان، فقها و دولت، لازم است به این نکته توجه کنند که در برابر طیفی از نوکیسه‌گی و بازی قدرت متمولین، اقشار فرودست اسیر تاوان این بازی می‌شوند. مارسل موس، بازی هدیه و شوکت قدرت ناشی از آن را در جوامع پیش‌بینی کرده است. در اقتصاد پتلاچ (Potlatch) مفهومی است که در فرهنگ بومی ساحل شمال‌غربی اقیانوس آرام، به‌خصوص در میان قبایل بومی کانادا

و ایالات متحده، رایج است. این مفهوم در واقع یک نوع سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که مبتنی بر اهدای ثروت و کالاها در مراسمی به نام پتلاچ است. انسان‌شناسی با توجه به این موضوع، بازی جامعه سرخ‌پوستان در تبدیل کردن پوست حیوانات به کالای گران‌قیمت موجهه شدند که ارزش بی‌رویه این کالا همه این جماعت را اسیر اعتیاد پوست کرده بود تا ارزش ناشی از طریق اقتصاد اعتباری امروزی تعریف کند؛ خود را به کنار بگذارند. در مورد پتلاچ

سکه نیز، چنین اتفاقی در ایران در بازی قدرت زن و مرد رخ داده و ارزش‌های صمیمیت، وطن‌پرستی و بقای نسل ایرانی را که در آرایش جدید نیاز به بازنگری مفهومی دارد، تحت تأثیر قرار داده است.»

این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: «عدد سکه‌های مهریه بازی بوده که اول افراد متمول به قصد بازنمایی قدرت و شوکت خانوادگی خود شروع کرده‌اند، میزان مهریه را بالا بردند تا طبقه کارگر و عامه خانواده‌های ایرانی اسیر این بازی فرهنگ نوکیسه‌گی شوند، اما مجلس می‌بایست این بازی مبتنی بر علاقه‌های افراطی را که به دلیل خصلت دون‌کیشوتی اقتصاد هدیه و قوانین فرسوده آن رخ می‌دهد، برهم بزند و نقش امروزی زنان و مشارکت خانوادگی آنان را به درستی از طریق اقتصاد اعتباری امروزی تعریف کند؛ نباید در بازی متمولین گیر کند. با رخ دادن انقلابی آرام در نظام اجتماعی طی صد سال گذشته وارد بازار کار شده‌اند و همین آنها را در موضع دیگری در خانواده قرار داده که نیاز به رعایت حقوق شهروندی برای آنها محسوس شده است. او با بیان اینکه تغییر آرایش اجتماعی منجر به تغییر آرایش نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان و همچنین موجب یک دگردیسی روحی نیز شده است، می‌گوید: «زنان دیگر سایه شوهران خود نیستند و نیاز آنها در خانواده به مشارکت



ویژه‌نامه مهریه



کاظمی:

مستقل شدن اقتصادی زنان و حقوق مساوی دو جنس تنها راهکار قطعی بی‌نیازی زنان از مهریه و رفع تعارضات بر سر این موضوع و حل مشکل زندانیان مهریه است. البته این راهکار زمانی قابل مشاهده خواهد بود که تصمیم‌گیران و قانون‌نویسان تفکرات مردسالارانه نداشته باشند



توکلی:

ازدواج باید یک معامله و قرارداد باشد که هیچ کدام از دو طرف حق و حقوق‌شان را از دست ندهند و هر فردی بنا به توانایی‌هایش و انتظاری که از او می‌رود براساس اینکه چه کاری می‌تواند انجام دهد و چه همکاری‌هایی در زمینه اقتصاد خانواده می‌تواند انجام دهد



زهرایزادبهرام:

مسأله کاهش مهریه هم دختران و هم زنان را دچار دغدغه‌هایی درباره موضوع پشتوانه اقتصادی می‌کند و این اتفاق اصلاً پیامدهای خوبی را به دنبال ندارد. با این چنین فشاری بار حقوقی و اقتصادی زندگی کاملاً بردوش زنان می‌افتد کما اینکه بار اجتماعی سنگینی هم در حال حاضر بر زنان تحمیل شده است.

مقایسه مهریه در ایران با چند کشور مسلمان

قوانین و پیامدهای حقوقی حقی که به‌کردن مردان است



مریم بهادری
حقوقدان و پژوهشگر

مهریه، به‌عنوان یک حق مالی برای زن در عقد نکاح اسلامی [ازدواج مسلمانان]، در کشورهای مختلف با نظام‌های حقوقی متفاوت اجرا می‌شود. در ایران، بر اساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه مالی است که به محض وقوع عقد، زن مالک آن شده و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن داشته باشد. مهریه می‌تواند شامل اموال منقول یا غیرمنقول، پول نقد، سکه طلا یا حتی آموزش مهارت باشد، مشروط براینکه ارزش مالی داشته و قابل تملک باشد. قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، سقف ۱۱۰ سکه بهار آزادی را در ماده ۲۲ برای اجرای کیفری (حبس) در نظر گرفته است. اگر مهریه تا این میزان باشد و مرد از پرداخت خودداری کند، زن می‌تواند تقاضای حبس کند، مگر اینکه مرد اعسار (ناتوانی مالی) خود را اثبات کند. برای مهریه بیش از ۱۱۰ سکه، تنها در صورت اثبات توانایی مالی مرد، امکان مطالبه وجود دارد و حبس اعمال نمی‌شود. همچنین، لازم به ذکر است زن در نظام حقوق مدنی ایران از «حق حبس» برخوردار است، یعنی مطابق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می‌تواند تا دریافت مهریه از تمکین خودداری کند، بدون اینکه حق نفقه‌اش ساقط شود.

در کشور ترکیه اما به دلیل ساختار حقوقی متفاوت، مهریه تنها به‌صورت سنتی در فرهنگ اسلامی جامعه وجود دارد، با این حال در قانون مدنی این کشور جایگاه رسمی ندارد. در واقع به‌جای مهریه، توافقات مالی در قراردادهای ازدواج یا پرداخت نفقه پس از طلاق رایج است. بر اساس قانون مدنی ترکیه (ماده ۱۲۳۳)، زوجین می‌توانند توافقات مالی را در قرارداد ازدواج ثبت کنند، اما پرداخت نکردن این تعهدات معمولاً منجر به حبس نمی‌شود و از طریق توقیف اموال یا کسر از درآمد پیگیری می‌شود (آخرین مصوبه ۲۰۱۹). در ترکیه هیچ الزام شرعی برای مهریه وجود ندارد و این موضوع به توافق طرفین و صرفاً از وجه قراردادی ازدواج است که در صورت پرداخت نکردن، دعاوی مدنی مطرح می‌شود و حبس به‌عنوان مجازات معمول نبوده اما توقیف اموال، تفسیط و دریافت ضمانت رایج است.

جالب اینجاست که در کشور مصر، مهریه (مهر) به دو بخش تقسیم می‌شود: «مهر مقدم» که در زمان عقد پرداخت می‌شود و «مهر مؤخر» که در صورت طلاق یا فوت شوهر پرداخت می‌شود و به نوعی یک تضمین مالی پس از ازدواج است (قانون ۲۰۰۷). همچنین بر اساس قانون احوال شخصی مصر، مهریه یک حق مالی الزام‌آور است و زن می‌تواند آن را از طریق دادگاه مطالبه کند و در صورت پرداخت نکردن، دادگاه می‌تواند اموال مرد را توقیف کند، اما حبس به‌طور مستقیم برای پرداخت نکردن مهریه اعمال نمی‌شود، مگر در مواردی که مرد عمداً از اجرای حکم دادگاه سر باز زند. در واقع حبس زوج در مصر به‌صورت مشروط به شرایط خاص اعمال می‌شود و بیشتر بر توافقات مالی در زمان طلاق تمرکز دارد.

در نظام حقوقی مالزی، مهریه (ماس کاهوین) به‌عنوان هدیه‌ای از داماد به عروس در زمان عقد پرداخت می‌شود و معمولاً مبلغ آن نمایین است. بر اساس قانون شریعت اسلامی مالزی (قانون خانواده اسلامی مصوب ۱۹۸۴)، مهریه یک تعهد قانونی است، اما پرداخت نکردن آن معمولاً از طریق دعاوی مدنی پیگیری می‌شود و حبس به ندرت اعمال می‌شود. در مالزی، نفقه پس از طلاق اهمیت زیادی دارد و دادگاه‌ها بیشتر بر تأمین مالی زن پس از جدایی تمرکز دارند تا مجازات کیفری مرد و بر خلاف ایران که مهریه عمدتاً مسکوک است، مهریه در مالزی اغلب به‌صورت نقدی و در زمان عقد به صورت تمام و کمال پرداخت می‌شود و کمتر به‌عنوان یک نهاد حقوقی در ایام زناشویی استفاده می‌گردد.

از منظر تطبیقی، نظام حقوقی ایران در میان کشورهای فوق، تنها کشوری در میان موارد بررسی شده است که ضمانت اجرای کیفری (حبس) را برای پرداخت نکردن مهریه تا سقف مشخص (۱۱۰ سکه) پیش‌بینی کرده است، هرچند که ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده با پذیرش اعسار، رویکردی تعدیل‌شده در پیش گرفته و حبس به صورت مشروط بوده و به دیدگاه حقوقی حاکم در قوانین حوزه خانواده کشور مصر نزدیک است. با این حال در ترکیه، نظام حقوقی حاکم، مهریه را به حاشیه رانده و ضمانت‌های اجرایی عقد ازدواج صرفاً مدنی هستند. در مصر و مالزی، تمرکز بر ابزارهای مدنی نظیر توقیف اموال است و حبس به‌عنوان ضمانت اجرایی مستقیم کاربرد محدودی دارد. حق حبس نیز در ایران ابزار حقوقی مؤثری برای زوجه است و در مصر و مالزی این حق محدودتر و مشروط به شرایط خاص است.

از طرفی برخی آرای حقوق‌دانان در خصوص تعدیل حقوق زوجه در عقد ازدواج، مواردی را مطرح می‌کنند که چنانچه بخواهیم مسأله حق حبس زوجه و ضمانت‌های کیفری موجود را تضعیف کنیم باید در نظام حقوقی تعدیل ایجاد کنیم؛ برایین بنیاد، می‌توانیم یک مقایسه اجمالی به طور مثال به اخذ تضمین‌های مالی، دریافت مهریه حین‌العقد و حق طلاق زن در این چهار کشور داشته باشیم: زن در ایران، حق طلاق اصولاً با مرد است (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)، اما زن می‌تواند با شرط عقد به صورت گرفتن وکالت در طلاق، این حق را کسب کند. در مصر، بر اساس قانون احوال شخصی (آخرین اصلاحات سال ۲۰۰۰)، زن از طریق «خلع» می‌تواند با بازگرداندن مهریه با توافق مالی طلاق بگیرد، اما حق طلاق مستقل ندارد. در ترکیه طبق قانون مدنی، طلاق را برای هر دو طرف با شرایط برابر از طریق مراجعه به دادگاه ممکن ساخته و زن می‌تواند به دلایل قانونی مانند خیانت یا خشونت درخواست طلاق دهد و در مالزی، مطابق با قانون خانواده اسلامی به زن اجازه می‌دهد در مواردی مانند پرداخت نفقه یا سوءرفتار از طریق «فسخ» یا «خلع» طلاق بگیرد، اما نیاز به تأیید دادگاه دارد. با توصیفات که آمد، ایران و مصر رویکردهای نسبتاً مشابه دارند و موضوع مهریه در این دو کشور برجسته‌تر است. در حالی که ترکیه با توافقات مالی و مشابه یک قرارداد با موضوع مهریه مواجه شده و مالزی نیز به شیوه‌ای متفاوت و با دریافت مهریه متعادل در زمان ازدواج، به نوعی تعادل نظام دریافت مهریه را برقرار می‌کند و این خود نشانگر تنوع در تفسیر و اجرای نهاد مهریه در نظام‌های حقوقی مختلف است که اینجا در مورد چهار کشور مسلمان بحث شد. نهایتاً آنچه که در پس موضوع مهریه باید به بررسی ما غنا بخشد، در نظر گرفتن غبطه زوجه در خانواده با لحاظ راهبردی است که بتوان از این مسیر، هم استحکام بنیان خانواده را تضمین کرد و هم تعدیل شرایط، گرفتن تضمین‌ها و پرداخت مهریه عادلانه حین عقد نکاح بتواند میزان زیادی جنبه کیفری مهریه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

نقدی بر طرح جدیدی که پشتوانه زنان را نشانه رفته است

مهریه، تنها تضمین زن برای رسیدن به حقوق خود

زنان و دختران از سوی مردان هستیم، چنین موضوع مهمی به کنار رفته و بحث کاهش سقف مهریه مهم شده است. امروز نمایندگان، که امر خصوصی درون خانواده‌ها را به دغدغه خود تبدیل کرده‌اند درحالی که مسائل بسیار مهم‌تری در این حوزه وجود دارد که باید و شایسته است به آنها پرداخته شود.

این فعال و پژوهشگر حوزه زنان در ادامه توضیحات خود اضافه می‌کند: «مهریه تنها تضمین زنان برای رسیدن به حقوق خود در خانواده است. نباید این تنها حق را از آنها دریغ کرد و آنها را از یکی از حقوقی که شرع و قانون و عرف به آن پایبند است، محروم کرد. اینجا یک سؤال مهم را باید از نمایندگان مجلس پرسید که چگونه می‌توان حقوق زنان را با استفاده از ظرفیت‌هایی که قانون در اختیارشان قرار می‌دهد، به مسأله‌ای نگران‌کننده برای زنان و خانواده‌ها ایجاد کنیم؟ بدون شک برای حل این مسأله هم زنان و

خانواده‌های آنها راه‌های جایگزینی را انتخاب خواهند کرد و این مسأله ممکن است تبعات پیش‌بینی نشده‌ای را هم با خود به دنبال داشته باشد. از جمله اینکه خانواده دختر درخواست پشتوانه‌های جایگزین از مرد داشته باشند، چون نمی‌خواهند دخترشان بدون پشتوانه مالی ازدواج کند.» نژادبهرام در پایان توضیح می‌دهد: «مسأله کاهش مهریه هم دختران و هم زنان را دچار دغدغه‌هایی درباره موضوع پشتوانه اقتصادی می‌کند و این اتفاق اصلاً پیامدهای خوبی را به دنبال ندارد. با این چنین فشاری بار حقوقی و اقتصادی زندگی کاملاً بر دوش زنان می‌افتد کما اینکه بار اجتماعی سنگینی هم در حال حاضر بر زنان تحمیل شده است. نباید و نمی‌شود یکطرفه رأی به نفع مردان صادر کرد و این بار سنگین اقتصادی، حقوقی و اجتماعی را تنها بر دوش زنان گذاشت، چون به هیچ عنوان منطقی و به صلاح بنیان خانواده‌ها نیست.»



راننده شده‌اند. او در ادامه اضافه می‌کند: «رود به مسأله مهریه، موضوعی خانوادگی و توافقی است، نتایج منفی و زیان باری را با خود به همراه دارد و در نهایت هم خانواده‌ها را دچار مشکلات عدیده‌ای خواهد کرد تا جایی که مجبور می‌شوند از روش‌های جایگزینی برای حل مشکل جدید مهریه استفاده کنند. تنها نتیجه‌ای که طرح جدید مهریه با خود به همراه دارد، همین نتایج منفی است.» این فعال حوزه زنان با اشاره به اینکه مهریه مسأله‌ای خانوادگی، خصوصی و توافقی است، توضیح می‌دهد: «مهریه میان زن و مرد و بین خانواده در ظرف مطرح می‌شود، ورود دیگران به این عرصه‌ها بجز اینکه خانواده‌ها را دچار مشکل کند، آنها را مجبور می‌کند که از راه‌های دیگری این مسائل را پیگیری کنند. اصلاً این قضیه تا اندازه‌ای بزرگ نیست که قوه مقننه به آن ورود کند. درست است که تعداد و میزان مهریه می‌تواند آسیب‌هایی را با خود به دنبال

داشته باشد. با این همه موضوعی است که به خانواده‌ها باز می‌گردد و جامعه‌ی می به صورت کلی ندارد.»

به اعتقاد نژادبهرام، بسیاری از مسائل حوزه مهریه به موضوعات فرهنگی و اجتماعی باز می‌گردد و باید در آنها کارهای آموزشی را سرلوحه برنامه‌ریزی‌های این حوزه قرار دهیم و در بحث فرهنگ‌سازی و ارتباطات اجتماعی بررسی کنیم. او می‌گوید: «باید آموزش‌هایی را در پیش بگیریم که به استحکام و بقای خانواده‌ها کمک کند نه اینکه فوراً بخواهیم سراغ قانون برویم. قانونگذاری باید بر اساس نیازهای جامعه باشد و امکان اجرای آن هم وجود داشته باشد. این طور نیست که هر موضوع و مسأله‌ای پیش آمد، سراغ وضع قانون یا تغییر آن برویم. مسأله مهریه را به

خانواده‌ها و عرف اجتماعی واگذار کنید و به مسائل بسیار مهم‌تری در حوزه زنان بپردازید. وقتی این حجم از خشونت علیه زنان زیاد شده و هر از چندگاهی شاهد قتل‌های فجیع

پس از جاری شدن عقد ازدواج، مهریه یک دین بر عهده مرد است و بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اگر مدیون به پرداخت آن مال اقدام نکند و اموالی از او برای وصول وجود نداشته باشد، جلب می‌شود و تا زمان پرداخت یا اثبات در ناتوانی پرداخت، در بازداشت می‌ماند. حالا چند وقتی است که موضوع کاهش سقف مهریه در مجلس شورای اسلامی شدت گرفته است، اتفاقی که یک بار هم در ابتدای دهه ۹۰ افتاد و برای این موضوع تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت مالی شد. این روزها صحبت کاهش دوباره این سقف به ۱۴ سکه به میان آمده است. این طرح به دلایل مختلفی از جمله کاهش آمار زندانیان و از میان برداشتن اهرم تهدید مردان در نظام خانواده، مطرح شده است. در واکنش به این موضوع هم چندی پیش زهرا بهروزآذر، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده نسبت به اصلاح ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و کاهش سقف اجرایی مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه هشدار داد و با نقد ابعاد فقهی، حقوقی و اجتماعی آن، پیشنهاد جایگزینی برای اصلاح این ماده ارائه کرد. جایگزین‌هایی با هدف تقویت نهاد خانواده، افزایش آگاهی حقوقی زوجین و ایجاد توازن میان حقوق زن و مرد.

زهرا نژادبهرام، فعال حوزه زنان با اشاره به اینکه مهریه موضوعی توافقی است، به «ایران» می‌گوید: «زن و مرد باید در خصوص مهریه با یکدیگر توافق داشته باشند، اصل مهریه بر این موضوع بنا نهاده شده است و کلاً طرحی که در مجلس مطرح شده است، موضوعیتی ندارد. این در حالی است که بسیاری از موارد مهم دیگری که چندین سال است در مجلس هستند، رسیدگی نمی‌شوند و به قولی خاک می‌خورند. موضوعی مانند لایحه منع خشونت علیه زنان باید نیمه کاره رها شود و موضوعات جدیدی مانند مهریه که موضوعیتی ندارند باید به میان آورده شوند.»

به گفته این پژوهشگر حوزه زنان، مسائل بسیار مهم‌تری در حوزه زنان وجود دارند که به آنها توجهی نمی‌شود. موضوعاتی مانند اشتغال زنان و مسأله امنیت اجتماعی زنان به کناری

کتایون مصری پژوهشگر مطالعات زنان در واکنش به طرح مجلس مبنی بر حبس‌زدایی از مهریه و کاهش تعداد ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه می‌گوید: «قبلاً هم چنین اقداماتی وجود داشته است؛ ضرورت دارد که با مشورت با نخبگان جامعه، فعالان حوزه زنان و هر کسی که دغدغه مسائل زنان و خانواده را دارد، طرح‌هایی از این دست را تدوین کنند.» او با اشاره به اینکه باید نظر کارشناسان را بررسی و سپس طرح را عنوان کنند، می‌گوید: «فراکسیون زنان مجلس ارتباط چندانی با ا فشار مختلف زنان ندارد، به رغم اینکه ما انتظار داریم وقتی یک طرحی ارائه می‌شود، از قبل با صاحبان تخصص در این زمینه‌ها هم صحبتی شود. در حال حاضر ما می‌بینیم که مجلس یک کاری را انجام می‌دهد، سپس دولت واکنش دیگری در این زمینه دارد.

ما انتظار است بین این دو نهاد وجود نداشته و همکاری و طرحی ارائه دهد که مجلس نسبت به آن واکنش منفی دارد، همین رویه نشان می‌دهد آن رابطه ارگانی که مورد انتقاد است بین این دو نهاد وجود نداشته و همکاری و هم‌افزایی میان معاونت امور زنان و فراکسیون زنان مجلس دیده نمی‌شود.»

مصری با اشاره به اینکه از وقتی که میزان سکه‌ها را با دغدغه کاهش زندانیان مهریه به ۱۱۰ رساندند زمان زیادی نمی‌گذرد، می‌گوید: «کنون یکباره مطرح می‌شود که میزان مهریه باید ۱۴ سکه باشد، ولی باید ابتدا هدف این طرح از سوی فراکسیون زنان، کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بیان شود زیرا تا مردم و مجریان اقناع نشوند قاعدتاً این طرح بلا اجرا خواهد بود.»

او با تأکید براینکه مهریه، قانونی میان زوجین است، می‌گوید: «مهریه جزو مهم‌ترین قوانین مالی زوجین است یعنی روابط اقتصادی و مالی زوجین با ابزارهایی مختلفی تنظیم می‌شود که یکی از آنها مهریه است. بنابراین اگرچه رکن ازدواج محسوب نمی‌شود و ما ازدواج‌های حقوقی و قضایی ازدواج‌هایی داریم که مهریه پس از عقد تعیین می‌شود اما هدف اسلام از تعیین مهریه این بوده که شأن زن در جامعه حفظ شود.»

مصری مهریه را ابزاری برای تأمین امنیت اقتصادی زن قلمداد می‌کند و می‌گوید: «در تمام جوامع این عرف است که میزان مهریه و حق زن را مشخص می‌کنند اما اگر اکنون شاهد افزایش لجام کسیخته مهریه و به دنبال



کتایون مصری: بعید می‌دانم این طرح نتیجه بگیرد

خیلی وقت‌ها بلاجرای می‌ماند و اگر اجرا شود باعث ظلم مضاعف به زنان است.»

او در پاسخ به این سؤال که بنابراین کاهش سکه نمی‌تواند منجر به کاهش طلاق شود؟ می‌گوید: «به هیچ عنوان، اتفاقاً این کار طلاق را تسریع می‌کند، این روزها که حجم بالایی از طلاق‌ها توافقی انجام می‌شود، در بسیاری از مواقع زن تمام حق و مهریه خود را می‌بخشد و در بسیاری از پرونده‌های طلاق، زن مهریه خود را نمی‌گیرد و اتفاقاً هرچقدر هم میزان مهریه پایین بیاید، طلاق راحت‌تر انجام می‌شود. حتی کسی که استطاعت آتجنانی ندارد از ۱۴ سکه هم می‌گذرد، بنابراین طرح مذکور با مفهوم تحکیم خانواده همخوانی ندارد. برخی از دختران ما اصلاً مهریه نمی‌خواهند ولی آیا باید دید که پسران نیز در این شرایط جامعه تعدیل به ازدواج دارند؟ در حال حاضر مشکلات متعدد اقتصادی از آمار ازدواج کاسته است، به گفته او، وقتی حقی که به زن اختصاص دارد و دین خدا هم آن را حلال کرده به بهانه دغدغه استحکام خانواده از او می‌گیریم، پس شک نکنید که با این اقدام، طلاق خیلی راحت‌تر هم انجام می‌شود.»

او در واکنش به حکم پابند الکترونیک می‌گوید: «کسی که به جای حبس می‌گردد، چنین طرحی را تصوب می‌کند روابط میان اعضای خانواده رابطه پدر و

فرزند و رابطه زن و شوهری را نادیده می‌گیرد. این چه طرحی است که پدر به خانواده برگردد اما پابند داشته باشد. اثرات روحی و روانی زیادی به دلیل پابند ایجاد خواهد شد. اگر نفرتی که نسبت به مادر یا پدر ایجاد شده و خصومت‌هایی که افزایش پیدا می‌کند را هم کنار بگذاریم؛ آیا آن مرد که توان پرداخت مهریه نداشته مگر جانی و قاتل است که پابند داشته باشد؟ این کار وجهه خوبی ندارد و از اقتدار پدر و محبوبیت مادر کم می‌کند. عقده‌گشایی دو طرف در خانواده زیاد می‌شود و فرزندان آسیب زیادی می‌بینند. همچنین به زور نگرداشتن ساختار یک خانواده با پابند الکترونیک ممکن نیست.»

